

مقاومت پیر و زاست

اوضاع بحرانی رژیم آخوندها و بن بستى که این رژیم در حوزههای مختلف بدان گرفتار است هر روز آشکارتر و به اشکال مختلف خود را نشان می‌دهد. رویدادهایی که طی دو ماه گذشته در همین ماتمغی افتاد، صحت این امر که بحران کنونی جامعه بسک بحران انقلابی است را بازم ثابت نمود. بحران اقتصادی و گرانى سرسام آور، نارضایتی مردم، جدال شدید و مستمر در هیئت حاکمه، سرکوب تریان مردم توسط رژیم، بن بست در مساله جنگ و صلح و... اینها مواردی هستند که هر روز به اشکال مختلف خود را نشان می‌دهند. در همین ماه گذشته تظاهرات چندى از طرف مردم علیه رژیم آخوندی صورت گرفت که بعلى گسترده بودن ابعاد آن حتی خود رژیم هم با تحریف شکل و مضمون آن، بدان اعتراف نمود. وقتی زیر سوزن نيزه عربان رژیم، مردم طی چندین ماه گذشته، بارها خشم و نارضایتی خود را در شکل تظاهرات خیابانسی نشان داده‌اند، می‌توان فهمید که عمق و وسعت بحران و سرکوب در جامعه ناچه میزان است و صمبتر از آن میتوان درک کرد که چرا رژیم نمی‌تواند هیچگونه اقدام موثری در جهت حل مسائلى که جامعه بدان دچار است انجام دهد. نزدیک به دو سال است که رژیم خمینی، آتش بی در جنگ ایران و عراق را با لاجبار پذیرفته است. طی این دو سال رژیم در زمینه مساله جنگ و صلح و مساله بازسازی که دو محور اساسی ساد رژیم است کاری انجام نداده است. نامهای بیادلسه شده اخیر از طرف رئیس جمهور عراق و کردانندگان رژیم، آخرین تلاشها، طی دو سال گذشته برای قطعیت بخشیدن به مساله جنگ ایران و عراق و پایان دادن به حالت نه جنگ نه صلح است. رژیم خمینی در جنگ شکست خورده است و می‌خواهد بنهای این شکست مفتضحانه را ببردازد. از این جهت چاره رادر سرکوب مردم و آوزان شدن به قای غرب بطور کلی و امریکا بطور مشخص تشخیص داده است. اما این راه حل از آنجا که با منافع تمامی باندهای درونی حکومت همخوانی ندارد با کارشکنی های بسیاری روبرو میشود که تاکنون در بن بست کامل مانده است. آخرین مانوری که باند حاکم به سردمداری رفسنجانی برای آزمایش رقبا انجام داده است، انتشار مقاله "مذاکره مستقیم" در روزنامه اطلاعات ۶/۲/۶۹ به قلم عطاء الل... سهاجرانی، معاون رفسنجانی در امور قضایی و پارلمانی است. این اقدام چنان جنجالی بیا کرد و چنان باندهای درون رژیم را بجان هم انداخت که در نوع خود بیسابقه بود. این مقاله سبب آن شد که گرگهای گرسنه درون رژیم آنچنان یکدیگر را افشاء کنند که حتی "ولی فقیه" در مانده و پوشالی، مجبور شود یکبار به نویسنده مقاله

در صفحه ۷

دکتر کاظم رجوی شهید عالیقدر حقوق بشر



وی يك سرباز فداکار ارتش صلح و آزادی در عرصه فعالیت بین المللی بود و کینه رژیم خمینی و بخصوص دارو دسته جنایتکار رفسنجانی نسبت به وی بارها توسط مزدوران و انبادهای تروریست رژیم آخوندها که در مجامع بین المللی شرکت می‌کردند، ابراز می‌شد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

خاکسپاری دکتر کاظم رجوی

در صفحه ۹

"ماتاریخ حقوق بشر را با خون هایمان می نویسیم"

دکتر کاظم رجوی

درسوگت عاشقی بیقرار

مهدی سامع

اندکی از ساعت ۷ بعد از ظهر روز سه شنبه چهارم اردیبهشت گذشته بود که خبر ترور دکتر کاظم رجوی را دریافت کردم. ابتدا شوکی همراه با ناباوری به من دست داد. سعی کردم به اعصاب خود مسلط و هیجان درونی ام را کنترل کنم، نیاز شدیدی داشتم که بگریم، اما نمی‌توانستم. سعی می‌کردم خودم را قانع کنم که پس از یکی دو روز به وضع عادی برمی‌گردم، اما پس از گذشت چند روز، التهاب و هیجان درونی ام افزایش می‌یافت. درگردهمایی اعتراضی پاریس سعی می‌کردم کمتر به عکس او نگاه کنم و به مطالبی که سخنرانان می‌گفتند کاملاً توجه کنم. اما نتیجه این جدال بی حاصل این بود که فقط چند جمله گوشه سخنان در ذهنم نشست. چند ساعت بعد از گردهمایی مطلع شدم که روز دوشنبه دهم اردیبهشت جسد دکتر کاظم را بر طبق وصیت خودش در کنار شهدای عملیات فروغ جاویدان در کربلا بخاک می‌سپارند. متأسفانه نمی‌توانستم در این مراسم شرکت کنم و رفیق زینت به نمایندگی از طرف سازمان برای شرکت در مراسم خاکسپاری به عراق رفت. این فکر که وضع درونی ام به زودی عادی خواهد شد، در مقابل، يك نیاز درونی برای فکر کردن درباره او که ذهن مرا شدیداً بخود مشغول کرده بود، تسلیم شد. تصمیم گرفتم تا

در صفحه ۱۲

چشم انداز نه جنگ نه صلح

در صفحه ۸

پیام مسئول شورای ملی مقاومت

در صفحه ۲

در رسانه‌های خبری جهان

در صفحه ۶

مسائل نیکاراگوئه

در صفحه ۱۰

اخبار و رویدادها....

در صفحه ۱۲

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، درگذشت پسر آقای پرویز خزائی نماینده شورای ملی مقاومت ایران در اسکانیئوری را به فامیل و بستگان خزائی و به آقای پرویز خزائی تسلیت می‌گوید.

پیامهای تسلیت

در رابطه با شهادت دکتر کاظم رجوی

جبهه دموکراتیک ملی ایران در رابطه با شهادت دکتر کاظم رجوی در تاریخ ۶۹/۲/۵ اعلامیه‌ای صادر نمود. در ابتدای اعلامیه آمده است: "رژیم تروریستی خمینی، دیروز یکبار دیگر چهره گریه خود را در سوخته‌های دانشنامه‌ای که منجر به شهادت آقای دکتر کاظم رجوی نماینده شورای ملی مقاومت ایران در ژنو امقر اروپایی ملل متحد شد، به معرض دید جهانیان گذارد." همچنین در این اعلامیه آمده است: "ارتقاء مقاومت عادلانه و مردمی، شعلهور شدن مبارزات نودمی و ورشکستگی اقتصادی و اجتماعی و بیس - المللی رژیم از یکسو و بحران هویت ناشی از تضاد ذاتی اش با تمدن معاصر از سوی دیگر و بالاخره تضاد داخلی روز افزون پس مانده‌های خمینی، صدور تروریسم را تشدید کرده است تا رژیم بتواند سرنوشت محنوم خود را با امیدوار کردن "امت حزب الله" و سرپا نگهداشتن آن، چند روزی به تاخیر اندازد. اما جنبش مقاومت انقلابی با اتکا به اراده مردم ایران و با حضور محکم ارتش آزادی بخش ملی ایران برای حراست از حیثیت و اعتبار انسانی و تاریخی ایرانیان با بهره‌مندی از انواع شیوه‌های مبارزه، در راه ناسین سعادت ملت ایران از حرکت باز نخواهد ایستاد و معاملات و زده‌بندی‌های آشکار و پنهان در صحنه بین المللی، با شرق و غرب، و ترور و سرکوب و شکنجه مانع و اذعی برای تحقق نابودی این رژیم ایجاد نخواهد کرد. مردم ایران سپای آزادی از قید حکام خوسریز را با جان عزیز هزاران شهید و حمی و زجر و تبعید دهها هزار نفر از بهترین عزیزان خود پرداخته‌اند و تا کنون ریشه فساد و ویران کردن نظام چهل و جنایت و استقرار حاکمیت مردم به مقاومت عادلانه خود ادامه خواهند داد."

با شهادت این مبارز آگاه، ملت ایران یکی از فرزندان لاق خود و شورای ملی مقاومت یکی از هنسنگران با ایمانش را از دست داد. جبهه دموکراتیک ملی ایران، این شایعه را به تمام کوشندگان راه آزادی و استقلال ایران، به ویژه آقای سعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت، صادر و محسّر شجاع و فرزندان و برادران مبارز زنده یسار دکتر کاظم رجوی تسلیت می‌گوید."

پیام تسلیت

بدینال ترور جنایتکارانه دکتر کاظم رجوی از طرف ما سوسنا شیخ مرادلین حسینی پیام تسلیتی برای مسئول شورای ملی مقاومت بشرح زیر ارسال شده است:

"جناب آقای سعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران با دروذهای انقلابی، بار دیگر دست پلیس‌دی از آستین رژیم دیکتاتور ولایت قلمه برون جهل و جنایتی دیگر آفرید. ترور ناجوانمردانه یکی از مسئولان برجسته سازمان سجاهین خلق ایران، برادر

اطلاعیه



رژیم ارتجاعی و تروریستی خمینی با دستور مستقیم رفسنجانی جنایتکار روز ۲ اردیبهشت ۶۹ دکتر کاظم رجوی نماینده شورای ملی مقاومت ایران در سوئیس را بشهادت رساند. دکتر کاظم رجوی که به حق از طرف مسئول شورای ملی مقاومت ایران، شهید مبارزه برای حقوق بشر نامیده شد، یکی از برجسته ترین، فعال - ترین و صادق ترین فعالین جنبش مقاومت انقلابی مردم ایران در عرصه بین المللی بود. فعالیت خستگی - ناپذیر او طی ۱۹ سال گذشته علیه رژیم های شاه و خمینی و بخصوص فعالیت ۹ سال اخیر او سبب آن شد که رژیم خمینی بارها در مجامع بین المللی بخاطر نقش حقوق بشر محکوم شود. وی یک سرماز فداکار ارتش صلح و آزادی در عرصه فعالیت بین المللی بود و کینه رژیم خمینی و بخصوص دارودسته جنایتکار رفسنجانی نسبت به وی بارها توسط مزدوران و ابادی تروریست رژیم آخوندها که در مجامع بین المللی شرکت می‌کنند، ابراز می‌شد. وی اخیرا چندین بار از طرف دیپلمات - تروریست های رژیم خمینی تهدید به مرگ شده بود. دولت سوئیس نیز با آزادی عملی که به تروریست های رژیم خمینی داده است، مسئولیت بزرگی در قبال عمل ننگین ترور دکتر کاظم رجوی دارد. ما اکیدا از دولت سوئیس می‌خواهیم که مسئولین این جنایت ننگین را که در سفارت رژیم آخوندها، مستقر هستند را بازداشت و محاکمه نماید.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، با ابراز تاسف فراوان، شهادت دکتر کاظم رجوی، این قهرمان مبارزه برای حقوق بشر در ایران را به هسر و فرزندان دکتر کاظم رجوی، به آقای سعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران، به خانواده رجوی و به مردم ایران و نیروهای مقاومت انقلابی تسلیت می‌گوید. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، تردیدی ندارد که اینگونه اعمال ننگین دارودسته جنایتکار رفسنجانی هرگز نمی‌تواند از سقوط محنوم این رژیم تروریست جلوگیری کند. این رژیم ارتجاعی و تروریست سرانجام بدست مدافعان پیگیر صلح و آزادی سرنوین خواهد شد. یاد و خاطره دکتر کاظم رجوی، همچون هزاران هزار زن و مرد آزادهای که در این یکبار عظیم شرکت کرده و بشهادت رسیده‌اند، هرگز فراموش نخواهد شد. دکتر کاظم رجوی در قلب مردم ایران زنده خواهد ماند.

گرامی یاد خاطره دکتر کاظم رجوی شهید قهرمان حقوق بشر در ایران

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۱۳۶۹ / ۵ / اردیبهشت

پیام تسلیت

سعود عزیز، خبر کوتاه بود و جگر سوز، دکتر کاظم رجوی، نماینده شورا در سوئیس و مبارز دیرینه راه آزادی و حقوق بشر برای ایران به نیر تروریسم رژیم خمینی جان باخت. دلمان خون و چشم مان پراشک، عزم مان جزم و تا آخر در راهش. جنایتکاران حاکم سر سپهن امیران برادری عزیز از تو و یاری ارجمند از جنبش مقاومت را بودند، دکتر کاظم، شهید بزرگ حقوق بشر شد و مردم ما شاهد جوهره جنایت بار رژیم که از قضا در حیوجه بندهاندازی و مشاهده گری و گزارش گالیندویل "حتم واقعی خود را می‌ساید. در تمام شریک، به تو و تمام اعضای خانواده عزیز رجوی صمیمانه تسلیت می‌گویم." کریم قمی

ارجمند شما دکتر کاظم رجوی موجب تاسف عمیق گردید. در شرایطی که در سراسر جهان تحولات ژرفی در جریان است و دیکتاتوران و خودکامان از سربس قدرت به خالک مذلت می‌افتند و دنیا به سوی دمکراسی و عدالت اجتماعی به پیش می‌رود، این ترورهای ناجوانمردانه از سوی رژیمی که در شرایط سقوط افتاده، دلیل دیگری بر استحاله و سردرگمی هر چه بیشتر این رژیم مرتجع و خونخوار است. مراتب تسلیت خود را بمناسبت این حادثه تاثیر انگیز به آن جناب و سازمان مجاهدین خلق اعلام می‌دارم. روانش در ملکوت اخلا، شاد باد.

تظاهرات هوطنان مبارز در محکومیت ترور دکتر کاظم رجوی

بدینال ترور دکتر کاظم رجوی، گروههای کثیری از هوطنان ما در شهرهای نیویورک، ژنو، بن، لندن، باریس و استکهلم دست به تظاهرات زده و از دولت سوئیس معرانه خواستار دستگیری و مجازات ترور - یست هایی که دکتر کاظم رجوی را بشهادت رساندند، گردیدند. تظاهرکنندگان که شعارهایشان در محکومیت تروریسم و جنایات ضد بشری رژیم قرون وسطایی و ولایت فقهی حاکم بر میهن مان مورد استقبال شد. شهروندان کشورهای مربوطه قرار گرفت، همچنین از دبیر کل ملل متحد خواستند "ناشمن توجه به مسئولیت سنگین خود در قبال گزارش سخوش وی اعتبار گالیندویل که با اعطای دسته گل به آخوندهای جنایتکار موجب جری ترشدن آنها در تعقیب سیاست شکنجه و اعدام تروریسم شده است، گزارش جمعی را بجای گالیندویل برگمارد و گزارش آکنده از دروغ گالیندویل را سرود اعلام نماید."

شرکت کنندگان در این تظاهرات خاطره شهید بزرگ حقوق بشر و مقاومت ایران دکتر کاظم رجوی را گرامی داشتند. این تظاهرات روز ۷ اردیبهشت ۶۹ سال و سه روز بعد از ترور جنایتکارانه دکتر کاظم رجوی صورت گرفت.

اخبار و رویدادها....

از صفحه ۱۲

از آلمان شرقی و غربی می‌خواهد پیش از تجدید وحدت خود، مرزهای کنونی لهستان در استاده رودخانه اودرونیس را غیرقابل تغییر بشناسد و رسماً اعلام دارند که آلمان پس از وحدت خود هیچگونه ادعای ارضی در لهستان نخواهد داشت. میکول وزیر خارجه آلمان شرقی می‌گوید: دولت متبوع اودر نظر دارد هر آنچه را که لهستان بهترین راه حل می‌داند، بپذیرد."

وانگلی، دبیرکل حزب کمونیست ویتنام در مراسم پانزدهمین سالگرد پیروزی ویتنام در جنگ با آمریکا، خواستار برقراری روابط میان واشنگتن و هانوی شد. وانگلی گفت: این کشور قصد دارد دخالت آمریکا در جنگ ویتنام را فراموش و با آن تجدید رابطه کند. وی همچنین خواستار پایان دادن به تحریم تجاری آمریکا علیه ویتنام شد.

رادیو آمریکا در برنامه روز ۶۹/۲/۱۰ خود از قول روزنامه واشنگتن پست گفت: "فریب شکست شیون پرز در تشکیل دولتی جدید، روابط آمریکا و اسرائیل با یابین ترین سطح خود پس از اوایل دهه ۱۹۸۰ رسیده است. اختلاف نظرهای واشنگتن و بیت المقدس بر سر مسائلی از جمله ایجاد آسایشی های یهودی نشین در مناطق اشغالی، موقعیت سیاسی بیت المقدس و نقش سازمان آزادیبخش فلسطین در روند صلح است. شامیر نخست وزیر موقت و بسیاری از هواداران او بر این باورند که اعضای دولت بوش سعی کرده‌اند موقعیت دولت وی را تضعیف کنند تا بهر جای او را بکشند. مقامات آمریکایی ضمن تکذیب این اتهامات می‌گویند "نخست وزیر اسرائیل با ارائه طرح صلحی که قصد انجامش را نداشت، آنان را قریب داد."

پلیس سوئیس روز ۶۹/۲/۱۳ اعلام نمود که دو تن از فائزخان دکتر کاظم رجوی را شناسایی کرده و اساسی آنان را بدالله صمدی و محمد رضوانی اعلام نمود. افشای این دتروریست که وابسته به رژیم جمهوری اسلامی هستند، بخوبی نشان می‌دهد که ترور دکتر کاظم رجوی توسط رژیم آخوندها طرح ریزی و اجرا شده و دولت سوئیس باید بطور صریح و آشکار اقدام تروریستی رژیم خمینی را محکوم نموده و سحریان این جنایت را مستکبر و سحارات نمایند.

دفتر مجاهدین خلق ایران در تاریخ ۶۹/۲/۲۴ در رابطه با تظاهرات مردم مشهد اطلاعیه‌ای صادر نمود. در این اطلاعیه گفته شده: "بنا به گزارشات رسیده از ایران، روز پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت ماه جاری چند هزار تن از مردم مشهد که از سرکوب، گرانی سر سام آور و کمبود ابتدایی ترین مایحتاج زندگی به جان

آمده بودند، به یک تظاهرات اعتراضی علیه رژیم ملایان دست زدند.

این تظاهرات که با تجمع بیش از ۲۰۰۰ تن از ساکنان شهرک امام در خیابان خواجه ربیع مشهد آغاز شد، به سرعت به سایر خیابان های اطراف گسترش یافت. در وحشت از او جگری این حرکت اعتراضی، رژیم خمینی پاسداران سرکوبگر خود را به صحنه فرستاد. پاسداران با بستن خیابان های منتهی به محل تجمع، با حمله به تظاهرکنندگان سعی در متفرق کردن آنها داشتند. اما تظاهرات در تمام طول روز ادامه داشت و مردم خشکین تعدادی خودرو و منجمله یک اتوبوس دولتی را خرد کردند."

مدعیان دمکراسی

پلنوم فروردین ماه طرفداران کنگره هجتم حزب دموکرات در بخشی از تصمیمات خود بپرامون مقابله با پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی اعلام می‌کند که:

" در این رابطه پلنوم به اتفاق اراک اعلام نمود که گروه منحرف از مشی حزب را خائن و سرردور دشمنان جنبش کردستان می‌داند. از همین رو حقوق استفاده از نام پرافتخار حزب دموکرات کردستان ایران را برای آنان نمی‌شناسد و وظیفه حزب می‌داند که تا هنگامیکه دست از این نام برنداشته‌اند از همه امکانات نظامی و سیاسی و تشکیلاتی و تبلیغاتی در برابر آنان استفاده مجمل آورد."

طرفداران کنگره هجتم، آنها را با ادامه جنگ ارتجاعی شان با کومه نشان دادند که هیچ اعتقادی به دموکراسی ندارند. البته در اینجا "دموکرات" های "جدید" مثل آقایان بابک امیر خسروی، فرخ نگهدار و علی کشتگر که تائیدهای مکرر خودشان را از اقدامات "شد امپریالیستی امام خمینی" ماستمالی می‌کنند. حتی بر اساس اصول "توین" دمکراسی از این رابطه هم از فن "ماستمالی" کردن استفاده خواهد کرد.

مردم ایران رژیم خمینی درمبادله اسرای جنگی، به اشکال مختلف کار شکنی می‌کند. ما مبارزه متحد و یکپارچه خود، رژیم خمینی را مجبور به قبول مبادله کامل اسرای جنگی بنمائید.

س ۲ - ۳ سازمان جریکهای فدایی خلق ایران

اطلاعیه دفتر سازمان مجاهدین خلق ایران:
روز ۶۹/۲/۵، یک روز بعد از ترور دکتر کاظم رجوی، دفتر مجاهدین خلق در بندهاد اطلاعیه زیر را صادر نمود: "شامگاه روز گذشته آقای سمعد رجوی مسئول شورای ملی مقاومت و فرمانده کل ارتش آزادیبخش ملی ایران با ارسال تلگرامی به آقای آرنولد کولر رئیس کنفدراسیون سوئیس، خاطر نشان ساخت که برادرش دکتر کاظم رجوی پیش از شهادت به دست تروریستهای رژیم خمینی در ژنو، بارها با تشریح تهدیداتی که از سوی رژیم ملایان متوجه جان وی بود، از مقامات سوئیس اقدامات حفاظتی و امنیتی لازم را تقاضا کرده بود."

آقای رجوی نوشت: "با ابراز شگفتی و تأثر عمیق نسبت به عدم حساسیت لازم برای حفظ جان نماینده مقاومت ایران که یک چهره کاملاً شناخته شده مورد تهدید رژیم خمینی در کشورتان بوده است، از سوی مقاومت ایران و همچنین به عنوان برادرش تعقیب، دستگیری و معرفی و محاکمه عاملان و آمران این جنایت را جدا تقاضا می‌کنم."

رهبر مقاومت ایران خطاب به رئیس جمهور سوئیس اضافه کرد: "با قطعیت و یقین تصریح می‌کنم جنابانی که امروز در کشورتان علیه مردم و مقاومت ایران انجامند با دستور صریح رفسنجانی و کارگردانی سیروس ناصری صفری رژیم خمینی در مقر اروپایی ملل متحد انجام شده است. ۸۰ تن از اعضای هیات مقاومت ایران که در ماه فوریه در کمیسیون حقوق بشر شرکت کردند، به عینه تهدید سیروس ناصری علیه دکتر رجوی را دیده‌اند و می‌توانند در این مورد در دادگاه شهادت بدهند."

از سوی دیگر مطابق اطلاعاتی که به مقاومت ایران رسیده است برخی از عاملان ترور بعد از ظهر امروز و بعد از ارتکاب این جنایت وارد سرکنسولگری رژیم خمینی در ژنو شدند. مقاومت ایران هم اکنون صدای کریم آبادی سرکنسول رژیم خمینی در ژنو را که بر روی نوار ضبط شده در اختیار دارد که کریم آبادی طی آن در رابطه با ترور دکتر رجوی تصریح می‌کند: "آری، از آن یکی که پیش ما در کنسولگری است خبر داریم." وی اضافه می‌کند که نامبرده مساله در صفحه ۱۰

خجسته باد اول ماه مه، روز همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان!

کارگران ایران! امروز چهارمین سالگرد جشن اول ماه مه (۱۹۵۲) است. در این روز مبارزین کارگران جهان با همبستگی و همبستگی با همبستگی کارگران ایران مبارزه می‌کنند. ما مبارزه متحد و یکپارچه خود، رژیم خمینی را مجبور به قبول مبادله کامل اسرای جنگی بنمائید.

س ۲ - ۳ سازمان جریکهای فدایی خلق ایران

اطلاعیه فوق توسط رفقای سازمان در ایران در رابطه با روز اول ماه مه، روز همبستگی کارگران منتشر و بخش شده است.

اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت ایران

رژیم ضد بشری خمینی که صدور تروریزم از خصمیات ذاتی آن است، در قبال بحران‌های حادثه‌آلوده و مقاومت عادلانه مردم ایران، راهی جز توسل به اعدام و شکنجه در داخل کشور و ترور در خارج از مرزهای ایران نمی‌یابد. موارد متعدد آدم‌ربایی، حملات تروریستی، جنایت‌های و آدم‌کشی که مستقیماً توسط سردساران و سفارتخانه‌های رژیم و دیگر مراکز وابسته به آن در کشورهای خارجی انجام شده مستمراً در مطبوعات و رسانه‌های همگانی جهان منعکس گردیده است. مقاومت ایران از سال‌ها پیش شبکه‌های تروریستی رژیم در خارج کشور و نقش سردمداری مثل رفسنجانی در راهی این شبکه‌ها را افشا کرده است و اسناد متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد بالاترین مقامات رژیم خمینی در جلسات درونی خود دست برداشتن از صدور تروریزم را به منزله "خفگی نظام" و برگ آن تلقی می‌کنند. هر قدر این رژیم بیشتر در غرقاب بحران‌های حاصل از جنگ و سرکوب و برانگیزی اجتماعی فرو می‌رود، بیشتر به اعدام‌های وحشیانه و جنایات تروریستی روی می‌کند، افزایش حملات تروریستی در خارج از مرزهای ایران پس از سرکوب خمینی و روی کار آمدن رفسنجانی و خانواده‌ای، ناشی از همین واقعیت است و بر همین حال ضعف و استحصال بقایای خمینی و بطلان اسامه‌های موهوم در مورد احتمال میانه رو شدن این رژیم ضد بشری را بیش از پیش آشکار می‌کند. زیرا دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران، به همه باند‌های درونش، جز با توسل به بحران‌سازی و سرکوب و صدور تروریزم قادر به ادامه حیات نیست و "افقی هرگز کم‌تر نمی‌زاید" مبدی است هر گونه انعطاف یا سهل‌انگاری در قبال جنایات این رژیم و بخصوص باج‌دانی‌هایی نظیر گزارش کالیندویل که تحت نام ملل متحد برای بزرگ‌گرفتن چهره‌ی این دیکتاتوری خون‌آشام تنظیم شده بود، تنها به جری ترشدن رژیم‌ها و جنایات باز هم بیشتر آنان منجر می‌شود. ترور جنایتکارانه‌ی دکتر کاظم رجوی سارز بزرگ حقوق بشر و نماینده شورای ملی مقاومت ایران در سوئیس که مشخصاً به "جرم" استنادی در قبال آن گزارش آکنده از تحریف و فروغ و به منظور خاموش کردن صدای او و به عنوان یک مبارز شناخته شده‌ی حقوق بشر و استاد مجرب حقوق، بسته دست تروریست‌های رفسنجانی در خاک یک کشور بی‌ظرف و در مقر اروپایی ملل متحد به شهادت رسید، گویاترین گواهی این حقیقت است. در پی این جنایت و در حالیکه مقامات مسئول سونیس رد‌های فائول را در مثل محل اقامت دیپلمات‌های رژیم خمینی پیدا کرده و به تعقیب آنان مشغولند، ارکان‌های اطلاعاتی و تروریستی رژیم خمینی باز هم به تهدید و زمینه‌سازی آشکار برای جنایات بعدی پرداخته‌اند:

کمیته‌های هوایی، ارکان رسمی خمینی در خارج کشور که به ارکان سارک خمینی معروف است، در آخرین شماره خود (مورخ ۱۲/۲/۶۹)، با پشت گرمی به گزارش نفرت بار کالیندویل، می‌نویسد که "در آن گزارش سازمان مجاهدین به عنوان یک گروه تروریستی معرفی و اقدامات آن محکوم شده است." ارکان سارک

خمینی، آنگاه، با توسل به این ترغیب ابلهانه که گویا ترور دکتر کاظم رجوی کار خود مجاهدین است، بسا تاکید بر اینکه "سخن پایانی ما خطاب به غربی‌هاست"، تصریح می‌کند: "مقامات کشورهای غربی باید در دفاع از این گروه تروریستی تجدید نظر کنند. بعید نیست دامنه‌ی اختلافات داخلی سازمان که به صورت ترور حذف قبضه‌ی بروز کرده در آینده وسعت یابد و تروریزم راه‌گشای دیگر در کشورهای غربی گسترش دهد." این روزنامه، که سخنگوی ارکان‌های اطلاعاتی و تروریستی رژیم در خارج از ایران است، سپس از مقاصد تروریستی خود پرده برسی‌دارد و می‌افزاید: "اگر دولت‌های غربی خواستار حفظ امنیت کشورشان هستند، بهتر است از فعالیت‌های تروریستی آنان جلوگیری کنند".

این، یک تهدید کاملاً آشکار است که نشان می‌دهد رژیم خمینی در حقیقت ضعف و استحصال کنونی‌اش قصد دارد بر دامنه‌ی اقدامات تروریستی خود علیه مخالفان و فعالان مقاومت ایران در خارج از کشور بیفزاید و در عین حال کشورهای غربی را مورد شائبه و فشار قرار دهد، از این پیش‌تر نیز یکی از آخوندهای رژیم (افزاشی) آشکارا در برنامه‌ی رادیویی رسمی (به تاریخ ۶۹/۲/۵) تصریح کرده بود: "ایشان را در هر کجا پیدا کردید بکشید ۳۰۰۰ دشمن‌ها را باید بشناسید. شماره‌گذاری کنید: شماره ۱، شماره ۲، شماره ۳، شماره ۴، شماره ۵، شماره ۶، شماره ۷، شماره ۸، شماره ۹، شماره ۱۰، شماره ۱۱، شماره ۱۲، شماره ۱۳، شماره ۱۴، شماره ۱۵، شماره ۱۶، شماره ۱۷، شماره ۱۸، شماره ۱۹، شماره ۲۰، شماره ۲۱، شماره ۲۲، شماره ۲۳، شماره ۲۴، شماره ۲۵، شماره ۲۶، شماره ۲۷، شماره ۲۸، شماره ۲۹، شماره ۳۰، شماره ۳۱، شماره ۳۲، شماره ۳۳، شماره ۳۴، شماره ۳۵، شماره ۳۶، شماره ۳۷، شماره ۳۸، شماره ۳۹، شماره ۴۰، شماره ۴۱، شماره ۴۲، شماره ۴۳، شماره ۴۴، شماره ۴۵، شماره ۴۶، شماره ۴۷، شماره ۴۸، شماره ۴۹، شماره ۵۰، شماره ۵۱، شماره ۵۲، شماره ۵۳، شماره ۵۴، شماره ۵۵، شماره ۵۶، شماره ۵۷، شماره ۵۸، شماره ۵۹، شماره ۶۰، شماره ۶۱، شماره ۶۲، شماره ۶۳، شماره ۶۴، شماره ۶۵، شماره ۶۶، شماره ۶۷، شماره ۶۸، شماره ۶۹، شماره ۷۰، شماره ۷۱، شماره ۷۲، شماره ۷۳، شماره ۷۴، شماره ۷۵، شماره ۷۶، شماره ۷۷، شماره ۷۸، شماره ۷۹، شماره ۸۰، شماره ۸۱، شماره ۸۲، شماره ۸۳، شماره ۸۴، شماره ۸۵، شماره ۸۶، شماره ۸۷، شماره ۸۸، شماره ۸۹، شماره ۹۰، شماره ۹۱، شماره ۹۲، شماره ۹۳، شماره ۹۴، شماره ۹۵، شماره ۹۶، شماره ۹۷، شماره ۹۸، شماره ۹۹، شماره ۱۰۰".

شورای ملی مقاومت ایران توجه اکید دولت‌ها و مقامات و ارکان‌های بیگانه کشورهای مختلف را نسبت به حفظ جان و امنیت فعالان و نمایندگان مقاومت ایران و عموم پناهندگان سیاسی ایرانی که در معرض تهدیدات تروریستی رژیم خمینی قرار دارند جلب می‌کند.

مقاومت ایران باز هم خاطرنشان می‌کند که سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های رسمی رژیم خمینی در خارج ایران، مراکز اجرای طرح‌های تروریستی این رژیم هستند و تسهیلات دیپلماتیک و نقل‌انقالات هوایی را برای تحقق مقاصد و توطئه‌های رذیله‌ی خود بکار می‌گیرند.

مقاومت ایران همچنین باز دیگر تاکید می‌کند که در قبال این دیکتاتوری قرون وسطایی که هیچگاه زبانی جز زبان قدرت را نپیمیده است، تنها و تنها باید قاطعانه عمل نمود و هرگونه سهل‌انگاری و انعطاف در برابر جنایات این رژیم که با نقض آشکار موازین حقوق بین‌الملل همراه است، فقط به جری ترشدن او و صدور تروریزم منجر می‌شود.

از سوی مقاومت عادلانه مردم ایران برای صلح و آزادی یکبار دیگر مسئولیت سنگین سازمان ملل متحد و دبیرکل آن را در قبال گزارش مخدوش و پراز تحریف و دروغی که توسط کالیندویل بنام گزارشگر ویژه ملل متحد تنظیم شده و عملاً در خدمت مقاصد سرکوبگرانه و تروریستی دیکتاتوری خون‌آشام حاکم بر ایران قرار گرفته است، یاد آور می‌شود. نفرت و انزجار مردم ایران و مدافعان راستین حقوق بشر در سراسر جهان را برانگیخته، اکنون این گزارش آکنده از تحریف که به منبعه‌ای در دست ارکان سرکوبگر و شکنجه‌گران شناخته شده و به پشتوانه‌ای برای جنایات و تهدیدات تروریستی

بقایای رژیم خمینی در خارج کشور تبدیل گردیده است. در داخل ایران نیز پیامد بلائصل آن سربریدن در سلا، عام و اعدام‌ها و شکنجه‌های وحشیانه بیشتر بود. منفورترین آمران و عاملان شکنجه - همچون لاجوردی قصاب تهران، آخوند بزدی رئیس قوه قضائیه رژیم و آخوند رئیس دانشگاه با اصطلاح دادگاه‌های انقلاب - این گزارش را علنی نمودند و در حالیکه با یک دست سر می‌بریند و شکنجه می‌کردند، با دست دیگر سر می‌نویسند. آن دسته گل می‌فرستادند، این گزارش، که نمایندگان مقاومت ایران آماده‌اند با سند و مدرک بنیاد توطئه‌گرانه، اسلوب مخدوش و موارد مشخص تحریف حقایق و جعل و فروغ آن را در هر محکمه‌ی بین‌المللی اثبات کنند، لکنه‌ی ننگی در تاریخچه ملل متحد و زمینه‌ساز شکنجه و اعدام بیشتر و ترور اشغال دکتر کاظم رجوی شمرده می‌شود. از این رو لازم است قاطعانه آن را محکوم کرد و برای زودمن آشکارش، گزارشگر جدیدی را با تضمین‌هایی مکتبی، و مشخصاً حضور نمایندگان و مترجمان مقاومت، برای تحقیق درباره‌ی نقض حقوق بشر و اعدام‌ها و شکنجه‌های رژیم خمینی به ایران اعزام کرد.

باجلب نحمدت توجه دولت‌ها و ارکان‌های مسئول کشورهای مختلف نسبت به مسئولیتشان در حفظ جان و امنیت فعالان و نمایندگان شورای ملی مقاومت و نیز سازمان مجاهدین خلق ایران، یاد آور می‌کنم که این نه فقط یک مسئولیت حقوقی در قبال جان پناهندگان سیاسی ایرانی بلکه مسئولیت خطیر انسانی و بین‌المللی در مقابله با منفورترین دیکتاتوری عالم است که سابقه نفرت بارش در جنایات تروریستی عظیمه شهروندان بیگناه خارجی، دشمنی آشکارش با بشریت و انبیز به اثبات رسانده است. رژیم ضد بشری خمینی بی‌تردید توسط مقاومت عادلانه مردم ایران برای صلح و آزادی و ارتش آزادیبخش ملی سرنگون خواهد شد. خون‌های پاک که در راه آزادی ایران و احیای ارزش‌ها و حقوق انسانی توسط تروریست‌های اعزامی رفسنجانی و خانواده‌ی بر زمین ریخته، می‌شود خاموشی نمی‌پذیرد. ایران به آزادی و حاکمیت مردمی دست خواهد یافت و تاریخ و مردم ایران مدافعان حقیقی حقوق بشر را آزاد نخواهند برد.

مسئول شورای ملی مقاومت ایران

سعود رجوی
۱۲ اردیبهشت ۶۹

برخی از رویدادهای تاریخی

- ۱۱ اردیبهشت ۱۹۶۵ - آغاز مبارزه مسلحانه جنبه خلق برای آزادی عمان
- ۵ ژوئن ۱۹۶۹ - تاسیس دولت موقت انقلابی در بخش جنوبی ویتنام
- ۲۱ مه ۱۹۷۹ - حمله نهایی جنبه سانه‌نیست علیه نیروهای نوموزا در نیکاراگوئه
- ۶ ژوئن ۱۹۸۲ - حمله وحشیانه دولت اسرائیل علیه اردوگاه‌های فلسطینی در لبنان

با کمک‌های مالی خود سازمان را در انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

در سوگ عاشقی بیقرار

از صفحه ۱

هر چه بنظر من رسد روی کاغذ بیاورم. ابتدا با خودم تمغیه حساب کردم که این کار نه بخاطر انجام بیک وظیفه انقلابی و شرح و توصیف خصلت های انقلابی و مردمی او، بلکه قبل از هر چیز بخاطر "بهار خود من" است. وقتی چنین اعترافی از خود گرفتم، دریافتم که راهم کجکم باز شده است. من طی بیست سال گذشته، شاهد شهادت بسیاری از دوستان و رفقایم بوده‌ام. صرف نظر از اینکه آنان چه وابستگی سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی داشتند شهادت آنان مرا متأثر و تحت تاثیر قرار داده بود. در من انگیزه بیشتری برای مبارزه ایجاد کرده بود. اما وقتی خاطره آن عزیزان را بیاد آوردم، دیدم در چند مورد وضعی مشابه وضع فعلی خود داشته‌ام. بیژن جزینی، امیر شمس الدینی و حالا، کاظم رجوی، عجیب برایم این بود که صرف نظر از خصوصیات بیک فرد انقلابی، هیچ وجه مشترکی دیگری نمی‌توانستم برای ایشان پیدا کنم. این وجه مشترک نیز شامل حال همه انقلابیونی که در راه آزادی و راهی مبارزه کرده و شهادت رسیده اند می‌شود. همین لحاظ خود را در جدال مضاعفی درگیر نکردم. ذهنم را متوجه دکتراکتم کردم. او تحصیل کرده سطح بالا، استاد دانشگاه در روسیه و نویسنده کتب و رسالات متعدد بود، بیک محقق اندیشه مارکسیستی بیک روشنفکر انقلابی، بیک مجاهد جنگی نابینا، حقوق بشر، بیک مبارز سر سخت برای دیگران و بیک مدافع استوار جنبش مسلحانه انقلابی، آنهم در سن ۵۶ سالگی. مفردت چنین افرادی با مجموعه ایمن خصوصیات پیدا می‌شوند. فقط استاد دانشگاه در اروپا بودن و از حسن شهرت برخوردار بودن، جاذبه‌های فراوانی برای گذران بیک زندگی بی درد سر دارد. در جلوی چشمم بسیاری از "روشنفکران" رزه رفتند. آنقدر "پخته" و "آموخته" که وارفته و در هم کوفته شده‌اند. بجای اینکه صادقانه اعتراف کنند که دیگر نمی‌توانند آزادی را که دفاع از آن رسالت هر روشنفکر مردمی است، دفاع کنند، به هر جنس و خاستگاهی می‌چسبند تا حفرانه ترین نحوه نمایش خود را نمایش تابیلویی قابل عرضه در بازار "روز" بنمایش بگذارند و آن را در مقابل پایمال نمودن خون شهدای راه آزادی بفروش بفرسایند. کاظم رجوی از اینگونه "روشنفکران" متمایز و اساسا در دستگاه دیگری قابل سنجش است. اما مگر تمامی شهدای راه آزادی و مقاومت انقلابی از این وجه تمایز برخوردار نیستند. هر کدام از آنها در مقامی با هم حرفه‌های خودشان، پس من بی‌بسیار در این زمینه کنکاش می‌کنم. نقطه گرهی در جاسای دیگریست. این بار به گذشته برگشتم. حدود سه سال قبل، شور و هیجان دکتراکتم بر ابرام قابل درک تر شده بود. بعضی وقتها با هم کپ می‌زدیم، قبل از آن رابطه ما خیلی رسمی بود. او چندبار بمن گفته بود که خیلی خسته بنظر من می‌آید و بد نیست چند روزی بیای ز بس و من هر بار با طرح گرفتاری ها، از دعوت او تشکر کرده و از اینکه نمی‌توانستم بروم عذر خواهی کرده بودم. بهر حال حدود او از سال ۶۶ بود که دکتراکتم بمن گفت مرا می‌بری پایگاه خودتان. گفتم آقای دکتر از نظر امنیتی آن منطقه فعلا چندان مناسب نیست،

بگذارم برای بعد. در آبان ۶۷ و بعد از عملیات فروغ جاویدان باز هم در فاصله تنفس های جلسه شورای ملی مقاومت با هم کپ زدیم. او بمن گفت احساس می‌کنم در تو چیزهایی تغییر کرده است، سپس با صمیمانه ترین حالت گفت، قبلا خیلی خشک بنظر می‌رسیدی. من بشوخی گفتم آقای دکتر من اهل انقلاب کردن نیستم و اویطور جدی گفت سوء تفاهم پیش نیاید. من منظورم این بحث ها نبود، می‌خواستم بگم که من با تجربیاتی که از زندگی دارم، تفسیراتی در تو می‌بینم. در آن شرایط و پس از عملیات فروغ جاویدان و آنچه سیاسی که از هر جهت علیه مقاومت انقلابی می‌شد، ایستادگی بر سر اصول و پرنسب های مبارزه رهایی بخش مردم برای صلح و آزادی، بیک رابطه شخصی با این جنبش را می‌طلبید. حقیقت این بود که با "تئوری" صرف و با "منطق" منقول و متداول نمی‌شد بر اساس پرنسب ها ایستاد و دکتراکتم فارغ از تمامی مباحثها از جمله کسانی بود که با حدیث از تمامی پرنسب ها و اصول جنبش مقاومت مردمی دفاع می‌کرد. پس از پایان جلسه شورا، من پیش رفقای خودمان در کردستان عراق رفتم. در صحبتی که در کنفرانس بخش کردستان سازمان داشتیم با طرح این سوال که "چه رابطه ای بین من و قلب و قلب، بین تئوری و پراتیک، بین سوسیالیسم و پرولتاریا وجود دارد؟" جواب آن، خواستم ابتدا بیک مسأله قدیمی که مناسفانه بارها فراموش می‌شود برای خود و سپس برای رفقایم بطور قطعی حل کنم که "اگر قطعی به قلب و به عشق راه نبره، اگر سوسا- لیزی به پرولتاریا راه نبره و اگر تئوری به پراتیک راه نبره" ... "هم عقل بر عقل تئوری بوجه وهم سوسیالیسم بوجه". آنروزها هنوز هیچ تحقیقاتی چپانی این شدت وحدت را نیافته بود. اما ما کلیه این سنت های اصیل جنبش فدایی دفاع می‌کردیم و خوب می‌دانستیم که "محک تئوری، عمل است" بایستی این امر را به مسأله مرکزی فلسفه مارکسیسم یعنی "انسان" ببط می‌دانیم. به بیان دیگر ما باید بد بوسته‌هایی که مانع توسعه درک ما از عمل می‌شد، می‌گشتم و به اصلی ترین نیاز انسان یعنی "رهایی" بمثابه عالی ترین محصول عمل تاریخی انسانها می‌رسیدیم. تکال بعد در آبان ۶۸ ما اعلام کردیم که "سوسیالیسم با شدت آهنین، بازور و در شرایطی که زمینه‌های لازم برای حل این با آن مسأله اقتصادی و فرهنگی فراهم نشده باشد، هرگز موفق نخواهد شد. سوسیالیسم اشتراک در فکر نیست، سوسیالیسم اشتراک در پی نیازی، رفاه و فرهنگ پیشرفته بشری است." انشرد خلق - شماره ۶۵ / ۱۲ / ۶۸

یکروز دکتراکتم بمن گفت شما این مطالب را سر اساس اعتقاد به م. ل گفته‌اید، من گفتم بیکه گفت این جمله "سوسیالیسم اشتراک در فکر نیست" را در کجا خوانده‌اید. گفتم خود من جایی نخوانده‌ام. آنرا از بیژن جزینی در زندان شنیده‌ام. با تعجب گفتم، یعنی آن موقع جزینی، چنین بحث هایی می‌کرد؟ و بعد راجع به خصوصیات بیژن جزینی چند سؤالی کرد. وقتی من گفتم بیژن جزینی علاوه بر اینکه بیک رهبر برجسته سیاسی بود، بیک هنرمند و هنر دوست هم بود، دکتراکتم گفت مثل بسیاری از رهبران بزرگ جنبش ها و بیندسال صحبت هایش از اینکه در آثار مارکس مسأله انسان رهایی، خوشبختی و آزادی او مسأله اساسی است و در

باره زمینها و عمل شکست کشورهای "سوسیالیسم موجود" صحبت مفصلی کرد. درباره شخصیت بسیاری از نمایندگان کشورهای سوسیالیسم موجود در نهادهای بین المللی می‌گفت اینها آنقدر فسیل شده‌اند که نقد درهای احساس و عاطفه هستند. می‌گفت ما به آنها می‌گوئیم شما همه چیز را در "تجارت" خلاصه کرده‌اید و بعد با شور و هیجان تمام گفت، ولی خیلی خوب شد که دست خیلی از عوامل ریبیان روشد، اینها هیچ ربطی به مارکس و شاگردان برجسته او ندارند. اینها فسیل شده‌اند. اما آینده بازم روشن است. سرمایه‌داری و تمام مفاسد آن وجود دارد و مبارزه مردم محروم و مستعبد برای خواسته‌های برحقشان ادامه خواهد یافت. وظیفه ما اینست که فعلا این شور و هیجان و این عشق و ایمان را که در مقاومت ایران وجود دارد، زنده نگه داریم. چون در اینصورت است که خودمان هم زنده هستیم. این تنها صحت نسبتا مفصل من با او بود. حالا که دارم این مطلب را می‌نویسم و آن روزها را بخاطر می‌آورم، می‌فهمم که همچنان او ناشی از نیرویی بود که او را از کرسی استادی دانشگاه به صحنه مبارزه برای آزادی گشاده بود. او اینرا می‌خواست و به این زنده بود و چون با خود و کسانی که رابطه سالم و صمیمانه داشت، صادقانه برخورد می‌کرد، وقتی رابطه من با او دیگر حالت رسمی نداشت، از او تاثیر پذیرفتم و او را به میزانی نزدیک کردم و بهمان میزان پس از شهادت خود را در وضعیت یافتیم، که لاجرم می‌بایست آن جنبه از شخصیت او که مرا تحت تاثیر قرار داده بود را می‌فهمیدم و آن را ابتدا برای آرام کردن خودم و سپس برای درس آموزی برای دیگران تشریح می‌کردم. دکتراکتم رجوی بیک انقلابی پر شور، بیک سیاستمدار برجسته، بیک نیهلمات ورزشی، بیک کادر سیاسی پرکار، بیک انسان صادق و صریح و با لآخره بیک عاشق بود. اینکه سرهای عشق او تا کجا گسترش یافته بود، مسأله اساسی نیست. هر عشقی ارزش آفرین است، چرا که در جوهر خود هستی بخش است. این هستی که خود را در نیای "واقعی" و "مادی" گاهی ساده و گاهی پیچیده نشان می‌دهد، انسان را به زندگی سعادت‌سندانه فرا می‌خواند. از عشق به طبیعت و هنر و ... تا عشق به بیک فرد و از عشق به بیک فرد تا عشق به انسان، همه‌جا عنصر "رهایی" است که انسان را به زندگی فرا می‌خواند. وقتی حتی پیچیده‌ترین ماشین ها طبیعت پیچیده انسان را ساده می‌کنند، این عشق است که در مقابل تسلط ماشین و در نتیجه غیر انسانی شدن محیط، به مقابله بر می‌خیزد. تمامی نظراتی که "انسان" و نه "ابزار" را در مرکز توجه خود قرار داده‌اند، تمامی نظراتی که برای نی از خود بیگانگی وجود آمده‌اند، در این عرصه محک می‌خورند. دکتراکتم از مسائات سرمایه‌داری و استثمارگرانه، از عشق او سرچشمه می‌گرفت و او نظیر نم اینگونه نسبت به این مسائات آشنایی کامل داشت و در نمایشگاه آن زندگی می‌کرد و از همه ی بیخ و خم ها، تضادهای، ظرفیت ها و ابزار آن برای آزادی مردم ایران استفاده می‌کرد، هیچگاه مرغوب آن نشده. زیرا این عشق بود که او را از زندگی ماشینی رهاییده بود و دنیای جدیدی را برای او گشوده بود. او تمام "هستی" اش را همراه "هستی آفرین" و در راه برتر گوه "عشق" پیدا

نابود باد امپریالیسم جهانی بسزگردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخیش



"در رابطه با حل مسأله ملی، سیاست اشتباه بکار می‌بردم"

مباحثه با مشاور اقتصادی گورباچف
الغیا - چاپ بغداد - ۲۲ نوامبر ۱۹۸۹

آقای آگان بیگان یکی از اقتصاددانان برجسته شوروی است. وی پیش از انتقال به مسکو نزدیکی به رهبر شوروی در آکادمی علوم اقتصادی وابسته به حکومت شوروی، در آکادمی علوم سبیری بکار اشتغال داشت. او یکی از صاحب نظران در اقتصاد، واریشتیانیان سیاست پروستریکا و همچنین خوشبین به نتایج آن است. آقای بیگان ارمنی الاصل است و خواهان اصلاحات و تغییرات می‌باشد. او نزدیک به کانسون سیاست گذاری در مسکو است. زیرا که مشاور اقتصادی رهبر شوروی بشمار می‌آید. او از طرف رهبر شوروی به او ماموریت در رابطه با شرح سیاست جدیدش برای عده‌ای از روسای جهان، بخصوص در اروپای غربی واگذار شده است. وی تالیفات زیادی در اقتصاد، گه تکمیلش بر فلسفه سیاست بازسازی است، دارد.

مشاور اقتصادی آقای گورباچف چند روز قبل در دیدار خود از عراق برای الغیا، راهپای اقتصاد شوروی و مشکلات موجود در برابر رهبر کرملین در این برنامه جدید، و همچنین مسائل سیاسی بسیار مهم را ترسیم کرد. مباحثه گر: احمد صبری

سوال - اقبای قابل دسترسی اقتصاد شوروی در سایه پروستریکا و راهپای استراتژی که هاستند؟
جواب - می‌توانم چهار راه استراتژی که را در سیاست بازسازی در اقتصاد شوروی، ترسیم کنیم و آنهم: اولاً، انعطاف اقتصاد شوروی برای تأمین مایحتاج مردم و اهمیت دادن به قوت آنان، و بر آوردن احتیاجاتشان و جلوگیری از نقابش موجود در آن، بسا تکمیل بر پیشرفت تکمیل در کشور ما رخ می‌دهد. ثانیاً: با لا بردن کیفیت کار و سطح تکنیکی در اقتصاد ثالثاً: که این را مهمتر از همه بحساب می‌آوریم، تغییر اداره اقتصاد و آن یعنی تحول از اقتصاد متمرکز به اقتصاد غیر متمرکز، و رفتن سمت ساختن سیاست بازار. رابعاً: تحول از اقتصاد بسته به اقتصاد باز در ارتباط با کل جهان.

سوال: در رابطه با مالکیت بر ابزار تولید، گفتگوهایی انجام شده. آیا به هیچ تصمیمی درباره آن دست یافته‌اند؟

جواب: همچنان که گفتیم ما نظرات مختلفی در باره مالکیت دولت بر ابزار تولید داریم. حتی در مورد کوچکترین حلقه در زندگی، و این همه ما را خسته کرده است و الان یک روش مالکیت تعاونی، که تعدادش ۱۵۰ هزار تعاونی در سرتاسر اتحاد شوروی است، وجود

دارد و در آن بیش از ۲ میلیون نفر کار می‌کنند. بر روی این نحوه مالکیت، الان مالکیت دولت در حال تغییر یافتن در میدانهای تولید صنعتی و کشاورزی و استهلاکی و رسیدن به اجاره کارخانجات و زمینها و ادارات از طرف آنان تعاونی ها) بصورت مستقیم است.

سوال - آیا این تجربه را بکار برده‌اید؟
جواب - بله. الان نزدیک به ۲۰۰۰ کارخانه در اتحاد شوروی بطریق اجاره کار می‌کنند و سعی می‌کنیم این تجربه را در آینده بصورت مشارکت مردم در مالکیت کارخانجات صنعتی بهبود بخشیم.

سوال - شما سعی می‌کنید روبل شوروی را به یک پول با ارزش تبدیل کنید؟ آیا هیچ وقت زمانی در این مورد تعیین کرده‌اید؟

جواب - ما سعی می‌کنیم که روبل قابل تعویض باشد. در داخل اتحاد شوروی تعویض شدن در سال ۱۹۹۵ صورت خواهد پذیرفت که شرکتیهای شوروی می‌توانند از داخل روبل را به یک پول خارجی معتبر تبدیل کنند. اما بخصوص تعویض خارجی، به اعتقاد من این ممکن است از شوه همکاری با کشورهای خارجی حاصل شود. ما باید به سازمانهای بین المللی و بخصوص بانک جهانی بیویونیم و همه اینها به زمان احتیاج دارد.

سوال - سازمان اقتصادی کومکون بین کشورهای سوسیالیستی در حال حاضر به سبب رخدادهای حاصله در اقتصاد بعضی از اعضای آن، با احتمال توقف در ادامه کار روبه روی است. آیا هیچ راه جدید برای همکاری بین اعضای کومکون وجود دارد؟

جواب - الان آینده واقفای این سازمان را ما بر اساس ساختن بازار مشترک برای کشورهای سوسیالیستی می‌بینیم و رویدادهای لیستان و مجارستان این موضوع را آسان می‌کند. چون اقتصاد این دوه اقتصاد بازار نزدیکتر است. و اتحاد شوروی سعی می‌کند اقتصاد خود را به یک اقتصاد بازار سیدل سازد. در چارچوب سازمان کومکون مباحثاتی بر سر ساختن بازار مشترک برای سه کشور صورت می‌گیرد و سعی می‌کنیم که یک مجموعه بسته در خود نیانیم، بلکه خواهان همکاری با همه و بخصوص با اقتصاد جهانی هستیم.

سوال - به عنوان یک اقتصاددان خواهشهایی جمهوری های شوروی را در رابطه با استقلال اقتصادی چطور ارزیابی می‌کنید؟ و آن چه زمانهایی در اقتصاد شوروی دارد؟

جواب - مهم این است که مضمون و معنی استقلال اقتصادی برای برخی از جمهوری هاجست؟ اما متقابلاً در آنجا خواهشهای بیش از این نیز وجود دارد. باید نگرش ما به این امر طوری باشد که در خدمت اقتصاد شوروی و در نهایت به رفاه مردم منتهی شود.

سوال - به عنوان یک ارمنی چگونه به خواستهای آذربایجان و تعلق کاراباخ اقره باغ می‌نگری؟

جواب - من همیشه وقتی قبل از حوادث اخیر نظرم این بود که منطقه به ارمنستان برگردد. چون ۲۰۷۶ ساکنین آن ارمنی می‌باشند. ولی در سایه جو کنونی برگرداندن این منطقه به ارمنستان ممکن نیست. بلکه لازم است این منطقه به جمهوری متحد روسیه داده شود. ما اداره آن از طریق یک کمیسیون که مستقیم از طرف رهبر اتحاد شوروی تعیین شده،

صورت پذیرد.
سوال - مسئله ملی جاسعه شوروی را تهدید می‌کند. آیا مستقدي که انترناسیونالیسم در حل این مسئله شکست خورده است؟

جواب - بله. چون ما قبل از پروستریکا یک سیاست غیر صحیح ملی بکار می‌بردیم و به سبب این سیاست، مشکلات و عوارض زیادی بخصوص در مسئله ملی اوج گرفت و این به علت سازمانهای سابق که به مرکزیت سخت و سخت متکی بودند، بود. و آن غده‌ای در یسن شوروی بود. در جو دموکراتیزه شدن جامعه و سیاست علنی که رهبر شوروی آن را در پیش گرفته، این غده ترکید، ولی معالجه آن امکان پذیر است. و به اعتقاد من در آن خطری وجود ندارد. ملی رغم کل مشکلات و عوارض و مناظر غیر زیبا اکنون امکان پذیر است. علت آن غده و کیفیت معالجه آن را بدانیم.

سوال - معاون نخست وزیر آذربایجان به الف بنا گفت که نتایج پروستریک در سال ۲۰۱۰ ظاهر می‌شود. آیا تو با گفته او موافقی؟

جواب - من با آن چیزی که آن مسئول آذربایجانی گفت موافق نیستم. زیرا که در زندگی شوروی سوالهای زیادی وجود دارد که جواب آنها ممکن است فردا گرفته شود یا پس فردا یا ممکن است در نسلهای آینده. و برای مثال تا زمانی که هر خانواده شوروی بتواند یک خانه مستقل را به تملک در آورد، آن قبل از سال ۲۰۱۰ تحقق نمی‌یابد و ما اینکه صاحب یک ماشین شود بنظر من تا سال ۲۰۰۵ امکان پذیر نیست. و مثالی دیگر، چه زمانی یک هوطن می‌تواند شکل خوب بخورد و بیاشامد و آیا آن کلیات غذایی در بازار موجود است؟ به اعتقاد من این نتیجه را بعد از شش سال از حالا به بعد بدست می‌آوریم. البته روی آن اساس نظرات مختلف وجود دارد. زیرا که ما به زمان احتیاج داریم که انسان بتواند تغییر بیابد. چون پروستریکا هدفش تغییر انسان است.

سوال - آیا پیدایش احزاب جدید در اتحاد شوروی پیش بینی می‌کنید؟

جواب - الان جوی برای بوجود آمدن احزاب سیاسی مخالف نداریم. ولی من این را مشکل مطلق نمی‌گویم. پیدایش آن در آینده محتمل است و به احتمال دوباره اینکه تعدد آراء در چارچوب حزب واحد تحقق یابد. همچون که در چین وجود دارد.

سوال - آن چیزی که اکنون در اتحاد شوروی می‌گذرد آیا تجدید نظر در دیدگاه نظری شماست یا عدم کارایی تجربه سابق به مایحتاج زندگی جدید است؟

جواب - متأسفانه بیست سال قبل سوسیالیسم شروع به عقب گرد از موقعیت خود کرد و جریانات غیر صحیح باعث شدند که سوسیالیسم شروع به زنگ زدن کند. و آن یعنی مرحله غیر موفق در پیشرفت سوسیالیسم در مقابل پیشرفت سرمایه‌داری، به غلغل مراحل غیر مطلوب بود. زیرا عمر سوسیالیسم ۷۰ سال است اما از عمر سرمایه‌داری بیش از ۲۰۰۰ می‌گذرد. ولی بنظر من در سوسیالیسم ارزیابی های خارق العاده‌ای نهفته که هنوز شکوفا نشده‌اند.

سوال - آیا آنچه در لهستان و مجارستان و آلمان دموکراتیک می‌گذرد شما را نگران می‌کند؟

جواب - مردم آن کشورها باید سرنوشت خود را به

مقاومت پیروز است

از صفحه ۱
 حمله کرده و بار دیگر از وی عذرخواهی کند. مهاجرانی در مقاله مذکور که متن کامل آن در همین شماره نیسره خلق چاپ شده است گفته است "به گمانم اگر در شرایط ویژه‌ای که هستیم مملحت های کشور و انقلاب را بر سایر امور ترجیح ندهیم، بهره‌اش از دست رفتن فرصت ها برای انقلاب و کشور و ملت خواهد بود که دشمنان می‌خواهند فرصت های اورا بگیرند و سالها پس از سالها بگذرد اما در وادی بازی با شعار متسل بازی با بیخ متوقف بنامیم." در رابطه با این مقاله باید خط امام چنان تعرضی رایه نویسنده مقاله و جناح مقابل آغاز نمود که رفتن جانی را مجبور به موضعگیری نمود و اعلام کرد که نظرات مطرح شده در مقاله نظر خود نویسنده است. روزنامه جمهوری اسلامی در تاریخ ۶۹/۲/۸، در مقاله‌ای تحت عنوان "انحراف" که متن کامل آن در همین شماره نبرد خلق چاپ شده، نویسنده مقاله را "انسان خوش خیال"، کسی که جیمز بکسر او را "بازی داده است"، و کسی که "مهاجران" است می‌خواهد فرصت "طلایی" را از دست نهد می‌نماید. روز ۶۸/۲/۹ دانشگاهیان حزب اللهی تظاهراتی برگزار کرده و با دادن شعارهایی همچون "جنگد با آمریکا راه رهایی ماست" علیه مهاجرانی شعار می‌دهند. محتشمی فریاد برمی‌آورد که این مقاله "کدایی رحم از شیطان بزرگ" است. هادی غفاری در جلسه روز ۶۹/۲/۱۱ مجلس ارتجاع می‌گوید: "درست در زمانی که هنوز یک سال از فقدان امام عزیز نگذشته اصول و مبانی ارزشی انقلاب اسلامی مورد تخریب و هجوم قرار می‌گیرد. گاهی از تریبون نماز جمعه بعنوان سخنران قبل از خطبه، گاهی به عنوان محاسبه مطبوعاتی و گاهی به عنوان سرمقاله و گاه هم به عنوان اظهار نظر ارزشهای اسلام ناب محمدی (ص) مورد تاخت و تاز بخردانه و غیر متعهدانه قرار می‌گیرد." در همین سخنرانی هادی غفاری فرصت را مناسب دیده و اعلام می‌کند که "این جانب در رابطه با فردی به نام دکتر جواد لاریجانی به عنوان عنصر مشکوک سیاسی... علیه ایشان اعلام جرم می‌کنم." روزنامه رسالت در شماره روز ۶۹/۲/۱۲ خود علیه هادی غفاری افشاکسری می‌کند و می‌نویسد: "باشفیدترین الفاظ تم جلاله خورده‌اید که نه شامونه موسسه الهادی هیچ حسابی در هیچ جای خارج از کشور ندارند. مانگفته بودیم موسسه حساب خارجی دارد، بلکه نوشتیم جنابالدی درویش حساب ارزی دارید و خواستار رسیدگی به آن هستیم. مستند مامم تلکس سفیر جمهوری اسلامی در مسرن و تاشید خود شما در نزد نویسنده سرمقاله ها و بسیاری از نمایندگان مجلس بود... بنیادی که در بنیاد استاسنامه‌اش هیچ سرمایه‌ای را عنوان نمی‌کند، از کجا ثروت کلانی بدست آورده که تنها ۱۰۰ میلیون تومان برای خرید یک گاو داری می‌تواند پرداخت کند!" روز ۶۹/۲/۱۲ ۹۰۰۰ نماینده به میسدان می‌آید و برای آرام کردن "حزب الله" شروع به عریسه کشی می‌نماید که: "خالک برسر آن ملت و دولتی که زیر بار تحمیل های آمریکایی برود" اخیر گزار می‌نویسد: "وی در رابطه با مذاکره با آمریکا می‌گوید: من با مذاکره با آمریکا مخالفم و دولت جمهوری"

اسلامی بدون اجازه من امکان ندارد چنین کاری نکند و خودشان هم قاعدا با چنین کاری موافق نیستند." در رابطه با دیپلماسی فعال که جناحهایی از وزارت امور خارجه رژیم طرح می‌کنند می‌گوید "بعضی می‌گویند دیپلماسی فعال، بلکه ما معتقد به دیپلماسی فعال هستیم. ما معتقدیم که وزارت خارجه ما باید در سطح جهان منبای همین چند موردی که استثنا کردیم مشغول فعالیت باشد. البته بارها گفتیم عزت را، حکمت را و مصلحت را رعایت کنیم. بروند با همه دولت‌ها ارتباطات داشته باشند. سیستمهای مختلف، عقاید مختلف و روشهای گوناگون مانعی ندارد. لیکن منطقه ممنوعه‌ای وجود دارد که از آن منطقه ممنوعه نباید تجاوز کنند." اخیر گزار می‌نویسد: "ولی فقیه" یوشالی به این ساله البته نمی‌پردازد که مذاکرات سخنی با گردانندگان این منطقه ممنوعه "برچه پایهای صورت گرفته است. وی برای خاموش کردن آتش ختم "حزب الله" مجبور است "خالک برسر آن ملت و دولتی که زیر بار تحمیل های آمریکایی برود" بریزد. اما همان روز مجبور می‌شود از مهاجرانی عذرخواهی کند و طی نامه‌ای به او بنویسد: "بسمه تعالی - برادر گرامی آقای عطا الله مهاجرانی: ششصد بیخی ها از حرفهای امروز من قصد طعن و توهینی نسبت به جنابعالی استنباط کرده‌اند و شاید بعضی خواستارند یا خواهند آنرا شخصی برای اهانت به شما بازاند. اعلام می‌کنم که این استنباط غلط است. من یک فکر را خطه کرده‌ام و نیت توهینی به کسی نداشته‌ام و اگر بدون اراده‌ی من به شما توهین شده است، از شما عذر می‌خواهم. من شما را دشمن است که تصحیح و اصلاح و تطهیر می‌کنم و مطمئنم جردلسوزی و خیر خواهی نظیر من پیدا نخواهد شد. شما همچنان برادر خوب من هستید و جدا کتر آنست که به توصیه‌های شما در مقاله "مذاکره مستقیم" عمل نخواهیم کرد و السلام علیکم - بسمه علی خامنه‌ای ۶۹/۲/۱۲" روزنامه جمهوری اسلامی - ۶۹/۲/۱۲
 خامنه‌ای در مدت چند ساعت حرفهای خود را پس می‌گیرد چرا که هم آویسد که در همان سخنرانی گفته بود "بند معتقد آنهایی که اعتقاد دارند ما باید بازاری استکبار یعنی آمریکا مذاکره کنیم، یا دچار ساده لوحی هستیم، یا سرعوبند" (آخر گزار می‌نویسد) ۶۹/۲/۱۲ رهنبر در مانده رژیم صبح مهاجرانی را ساده لوح و سرعوب می‌نامد و بعد از ظهر از او عذر خواهی می‌کند و می‌گوید که قصد توهین نداشته است. این تناقض در رفتار و گفتار که از ماهیت رژیم سرچشمه می‌گیرد، در شرایطی که این رژیم محور اصلی و سر هرم و لایت فقیه را از دست داده، بصورت یک امر روزمره در آمده است. تازه خامنه‌ای در شرایطی اینگونه متناقض حرف می‌زند که روز قبل از آن، مهاجرانی در روزنامه اطلاعات، بطور کامل از دیدگاه خود دفاع نموده است. در چنین وضعیتی خطر آنقدر برای کلیت رژیم ملموس می‌شود که ناطق قسری در جلسه مجلس ارتجاع در روز ۶۹/۲/۱۲ می‌گوید: "من می‌گویم بجای آن که از تریبون مجلس روزنامه‌ها به جان هم بجاییم و دشمن را شاد و دوست را سانس کنیم و تشره این کار، این باشد که ضد انقلاب حرف های ما را بدست بگیرد و به ریش همی ما بخندد، که - زهر در صفحه ۱۱

انحراف

جمهوری اسلامی

مذاه و مذاکره مستقیمه که روز گذشته شماره بیست ماه جاری در یکی از روزنامه‌های مصر به چاپ رسید، موجهی از نفرت عمومی را در میان مردم و مسئولان برانگیخت. محتوای مقاله این است که چون جیمز بکسر وزیر خارجه آمریکا اعلام کرده است که آمریکا آماده است با نظامت ایرانی مستقما مذاکره کند، پس خوب است فرصت را از دست ندهیم و با آمریکائها پیشنهاد نشداند بنشانیم به مذاکره مستقیم با آنها که معادلت متمدن و سرنوشت انقلاب و اسلامان فسی اسحال در گرو همین مذاکره مستقیم با آمریکائهاست. اگر چنین نگوییم سراجام پشیمان خواهیم شد و پشیمانی هم که سودی ندارد.
 به انسان خوش خیالی چون این آقای نویسنده چه می‌توان گفت؟ حضرت امام رضوان الله تعالی علیه در ماجرای مشاهیر، فرمودند: "آمریکا شوروی را هم بازی داده است. به نظر می‌رسد اینک جای آن دارد که گفته شود: جیمز بکسر، آقای... را هم بازی داده است.
 طالب است که این همه خوش خیالی درست در حالی صورت می‌گیرد که تیر بست راست صفحه اول روزنامه که این مقاله در آن چاپ شده، در ۳ ستون حکایت از موج خشم و نفرت جهان اسلام و عرب از قلمنامه خطن نمایندگان آمریکا منبای بررسمیت ساختن بیثباتی به عنوان پایتخت رژیم استکبار فسی فدای آنها حساب خطن نمایندگان آمریکا از حساب وجیمز بکسر جداست! آیا حساب این دو از حساب دولت آمریکا که امام فایده‌مان آرا و شیطان بزرگ نامیده، جدا است؟
 حضرت امام رضوان الله تعالی علیه در مورد آمریکا اصل خشنه‌نمایی بری را برای گذاردن آن که تکلیف نظام جمهوری اسلامی ایران با آمریکا را برای همیشه روشن می‌کند، امام فرمودند تا آمریکا آدم نشود، ما هیچ گونه راستی با آن نخواهیم داشت.
 ما را چه می‌شود که فکر می‌کنیم ما هم باید مثل دولت سوریه به ستاره تبلیغاتی آمریکا شویم و اگر رئیس جمهور آمریکا بگوید نفس ایران در مساجد ایرانی و گروگان آمریکایی برای آمریکا پوشیده مانده است، ما باید احساس دلگرمی کنیم که چرا آمریکا قدر ما را نمی‌داند؟ ما را چه می‌شود که اراده ملت و کفایت مسئولان و قدرت انقلاب را از پای می‌بریم و عاجزانه مدعی می‌شویم که اگر نبیند مسوت جیمز بکسر شارا لای پانچ منت تعریف فرصت طلایی بوجود آمده، از دست خواهیم داد و قدر به بازسازی کشور نخواهیم بود؟ پس گو آن هست و مردانگانی پس گو آن غیر انقلابی است که چه شد آن همه عروش مرگ بر آمریکا؟ آیا نباید اجازه داده شود حیثیت ملتی که بر چه پرافتخار استادیگی در مقابل شیطان مرگ را به عنوان بزرگترین افتخار قرن بر دوش دارد، این چنین در سطح جهش ریسر سوال برود؟
 راستی ما را چه می‌شود که بگردد می‌گوئیم راه الهی را همیشه با مستکبران طواغیت از قبیل آمریکا است و روز دیگر مدعی می‌شویم که مذاکره مستقیم با افعال آمریکا شیوه انبیا و اولیاء بوده است؟ آیا چنین قلمزنیهای تحریفی اعانت به یک ملت انقلابی موجه نیست؟
 الفیاد نویسنده مقاله مذاکره مستقیمه پاسخ تفکر انحرافی خود را از لای لای سخنان ضد آمریکایی رهبر ارجمند انقلاب اسلامی و رئیس جمهور محترم در مراسم تجمید نظر درباره‌ی باشد و حال که صرف نظر از شخصیت و مدعی به مسئولان نظام جمهوری اسلامی و مردم ایران ندارد، برای خوانندگان مقاله خود روشن کند که از زبان چه کسانی سخن می‌گوید.
 روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۶۹/۲/۸

مذاکره مستقیم اطلاعات

جیمز بکسر وزیر خارجه آمریکا قبل از اعلام کرد که آمریکا آماده است با مقامات ایرانی مستقما مذاکره کند. ممکن است بگویند به همین دلیل سخنی در کار و توطئه‌ای برپاست که آنچه نوشته‌ام که بکسر پیشنهاد مذاکره مستقیم را داده است. در هر حال این خود شوی است که صرف نظر از شخصیت و موضع، صرفا به همین اعتبار که نوشته‌ام چه کسی است می‌توان بر سخن خط بطلان کشید و در پس هر حرفی توطئه‌ای را کشف کرد.
 به گمان من می‌توان از نوعی دیگر نیز مذاکره مستقیم را مسجد و بن مذاکره مستقیم و مذاکره غیر مستقیم، طرف بهتر یا لااقل آنکه شورش گستر است را برگزیند. فرضی ما از این فرارند.
 ۱- ما قلمنامه ۵۹۸ را پذیرفتیم، بردن کار و تداوم این قلمنامه با هدایت دیدرگ سازمان ملل و عملا بر نظر شورای امنیت انجام می‌شود. آمریکا خود را شورا و نیز مؤثرترین عضو است.
 ۲- از زمان پروزی انقلاب تا به حال ما بین آمریکا و ایران مسائل متعدد و متنوعی از قبیل بلوکه شدن داراییهای ایران و جلوگیری از ارسال قطعات بدگی خریداری شده که مصرف نظامی داشته‌اند و... وجود دارد.
 ۳- چهار نفر از اتباع ما و نیز تعداد قابل توجهی از مسلمانان مستقیم ایران از جمله شیخ عبید در دست گروههای طرفدار آمریکا و اسرائیل به گروگان گرفته شده‌اند.
 ۴- عراق به عنوان دشمن باقی و باقیه ما با بهره‌گیری از امکانات جهانی و سازماندهی معادله بواسطه بی‌ثباتی و بی‌دیپلماسی خود هم روز در جهت تقویت نظامی و سیاسی خود بیشتر کوشیده است.
 ۵- و بالاخره بازسازی صنعتی و اقتصادی کشور و همکار از تخریبهای عقبه دوران جنگ و وظیفه معنونه ماست که کمترین درنگی در آن پذیرفته نیست. اینها فرضهای فتنه بود. مذاکره در تاریخ عالم و آدم همواره به عنوان امری بسیار بدیهی که نیز به برهان و توجه ندارد به کار گرفته شده است.
 مذاکره مستقیم انبیا الهی با دشمنان خدا و خلق، سنت و سره پیامبر اسلام و امیرمومنان و سایر ائمه معصومین، عرف انقلابیون و سیاستمداران مستقل دنیا و بالاخره این برهان و بینه که مذاکره به صرف پذیرش سلطه و اقتدار است، امری فرخوز توجه است به ویژه آن که در فضای امروز ما نخواستیم بی‌ثباتی باشد به دور کشور و مردم کشیم و در دایمی وقتی رابطه را زد می‌کنیم. داستان گروگانها، داستان عبرت آموزی است به همین اعتبار که دولت دوست و برادر سوریه از مذاکره مستقیم با آمریکا بهره نکرده، تبدیل به ستاره تبلیغاتی ستاروی آزادی گروگانها شده و مصالح و منافع ملی‌اش را پیش برده و کم و کیف نقش ایران به تفسیر رئیس جمهور آمریکا بر آمریکا پوشیده مانده است!
 به گمانم اگر در شرایط ویژه‌ای که هستیم مصلحتهای کشور و انقلاب را بر سایر امور ترجیح ندهیم، بهره‌اش از دست رفتن فرصت‌ها برای انقلاب و کشور و ملت خواهد بود که دشمنان می‌خواهند فرصت‌های او را بگیرند و سالها پس از سالها بگذرد و ما در وادی بازی با شعار مثل بازی با بیخ متوقف بنامیم.
 از سید عطاالله مهاجرانی
 روزنامه اطلاعات ۱۳۶۹/۲/۶

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

خاکسپاری دکتر کاظم رجوی

روز ۱۰ اردیبهشت امسال، طی مراسم پرشکوهی پیگر دکتر کاظم رجوی در گورستانی در نزدیکی شهر کربلا و در کنار شهدای عملیات ارتش آزادیبخش ملی ایران، به خاک سپرده شد. در این مراسم پرشکوه آقای مسعود رجوی، خانم مریم رجوی، خانم میشل همسر دکتر کاظم رجوی و سه فرزند او همراه با برادران دکتر کاظم رجوی، مسئولان و نمایندگان سازمانهای عضو شورای ملی مقاومت، شخصیت های عضو شورا، اعضای ستاد فرماندهی ارتش آزادیبخش ملی ایران، شماری از اعضای هیئت اجرایی سازمان مجاهدین خلق ایران، گروههایی از خانوادههای شهدا و زندانیان سیاسی و تعداد زیادی از زندگان ارتش آزادیبخش ملی ایران حضور داشتند. گارد احترام نظامی بزرگی متشکل از زندگان ارتش آزادیبخش ملی آذربایجان، نظامی ویژه ای راجین خاکسپاری پیگر دکتر کاظم رجوی به اجرا گذاشت. در این مراسم پس از اجزای نماز و آخرین وداع مسعود رجوی با دکتر کاظم رجوی، پیگر دکتر کاظم به خاک سپرده شد. سپس دسته گل هایی از طرف آقای مسعود رجوی و خانم مریم رجوی، خانواده رجوی، شورای ملی مقاومت ایران، ارتش آزادیبخش ملی ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران، بر قبر دکتر کاظم نهاده شد. بعد از آن خانم میشل همسر دکتر کاظم رجوی، به سخن پرداخت. وی طی سخنرانی پر شور و شاعرانه خود به بیان پالک ترین احساساتش نسبت به دکتر کاظم رجوی و مقاومت ایران پرداخت. میشل گفت: " این ماههای آخر کاظم منم فقط یک آرزو داشتم که به ایران برگردد و در آنجا بمیرد." سپس خانم مریم رجوی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران به سخنرانی پرداخت. وی در مورد دکتر کاظم گفت که او " بارها خواسته بود که به ارتش آزادیبخش بپیوندد و در صف مقدم مبارزه باشد." مریم رجوی دکتر کاظم را " سرداری از ارتش آزادیبخش ملی" نامید که " در صحنه جنگ سیاسی" با رژیم پشهادت رسید. وی اضافه نمود: " بحق که کاظم مجاهد زیست و مجاهد پشهادت رسید و با خون خودش مجاهدت خود را به ثبت رساند." خانم مریم رجوی گفت: " دنیا و همه دولتها در شرق و غرب عالم باید بدانند که چشم دوختن به اصطلاح میانه روی بقایای خمینی سراسی بیش نیست و تا بقایای خمینی در حکومت هستند نه از صلح و آزادی خبری هست و نه از میانه روی و سازش." در پایان خانم مریم رجوی از " همتی سازمانها، احزاب و شخصیت های ایرانی و خارجی که شهادت دکتر کاظم را به سازمان مجاهدین خلق ایران، شورای ملی مقاومت به خود مسعود و خانواده رجوی تسلیت گفتند، تشکر کرد. همچنین در پایان مراسم واحدهایی از ارتش آزادیبخش ملی ایران که در مراسم حضور داشتند، بطور جداگانه بر سر قبر دکتر کاظم حضور یافتند و ادای احترام نمودند.



تلاشهای دیپلماتیک رژیم از موضع ضعف

طی ماه گذشته، دارو دسته رفسنجانی برای خارج شدن از انزوای بین المللی به تلاشهای دیپلماتیک خود افزوده اند. در این تلاشها که همواره از موضع ضعف صورت میگیرد، رژیم میگوید تا با نزدیک شدن به کشورهای منطقه خلیج فارس و خاور میانه و کشورهای اروپایی، موقعیت خود را بهبود بخشد. بخصوص اینکه دارو دسته رفسنجانی از نزدیکی روسه افزایش کشورهای عربی به عراق کاملا به وحشت افتاده اند. در این رابطه دیپلمات - تروریست های رژیم در اینجا و آنجا چهره انعطاف پذیر به رژیم می دهند. اما در بین خود رژیم بحث ها و جدال های زیادی بر سر اینکه روابط وجود دارد. این بحث بسا مقاله "مذاکره - سننیم" شدت بیشتری پیدا کرد.

اظهارات دیپلمات های رژیم با مخالفت شدید باندهای مخالف روبرو می شود. در مواضع آنسان را مجبور به پس گرفتن حرفشان می کند. برای مثال علی محمد بشارتی قائم مقام وزیر امور خارجه در تاریخ ۶۵/۲/۱۱ طی مصاحبه ای در ابوظبی که متن آن در کیهان هوایی شماره ۸۷۸ (۶۹/۲/۱۹) چاپ شده می گوید: " ما می توانیم مشکلاتمان را با عربستان در محدبلی آکنده از تفاهم متقابل حل کنیم." وی همچنین " امکان از سرگیری رابطه با مصر از طریق مذاکره را" عملی دانست. بشارتی وقتی به ایران برگشت، حرف هایی که در رابطه با مصر زده بود را مینتخا - تکذیب کرد. واعظی معاون وزیر امور خارجه در امور اروپا و آمریکا در مصاحبه با تهران تایید کرد که انگلیسی زبان که سخنگوی جناح حاکم در وزارت امور خارجه رژیم است گفته است که " برای ما در راه بهبود روابط با کشورهای اروپایی غربی هیچ مسأله ای وجود ندارد." وی اضافه کرده که: " در حال حاضر ما حتی بسا

چشم انداز نه جنگ نه صلح

از نظر دور داشت که کنفرانس سران کشورهای عربی به زودی در بغداد برگزار خواهد شد. رفت و آمدهای مقامات دیپلماتیک کشورهای منطقه و نیز تلاشهای دیپلماتیک رژیم که چند نمونه آنرا بطور جداگانه به اطلاع خوانندگان نبرد خلق خواهیم رساند، نشان می دهد که در رابطه با سئاله حالت نه جنگ، نه صلح مابست یک مقطع حساس نزدیک می شویم. در این جای تردیدی نیست که رفسنجانی اگر بخواهد گام اساسی در این رابطه بردارد، باید خودورژینش جام زهر دیگری بنوشد. این هم برای رفسنجانی مسائل بسیاری خواهد آفرید و هم جناح مخالف او را شدیداً تحریک خواهد کرد. بهر حال رژیم در جنگ شکست خورده و بسا باید به پای آن را به قیمت تسلیم بپردازد. در این بها در هر صورت چیزی جز این نخواهد بود که رژیم از قرارداد الجزایر دست بشوید. کیهان هوایی در شماره اخیر خود، با درج حالت های مختلف، نظرات گوناگون مختلف درون رژیم را منعکس کرده که از نظر اهمیتی که این مسأله در روابط کمونی دارد، متن کامل آن برای اطلاع خوانندگان نبرد خلق چاپ می شود.

بعضی از کشورهای اروپایی دارای روابط عالی - همتیم" جناح مقابل اینگونه اظهارات را بسدت ریسر سوال می برد. مثلا کیهان هوایی در شماره ۸۷۷ (۶۹/۲/۱۲) خود طی مقاله ای به افرادی که از ارتباط با بعضی کشورها دفاع می کنند، بعنوان "جریانهایی مرغوب" نام می برد. روزنامه کیهان در شماره ۶۹/۲/۱۲ مقاله ای به قلم حسین شریعتمداری تحت عنوان "مذاکره یا معامله؟" چاپ کرده که در آن مهاجرانی با سرجانی مقایسه شده است. روزنامه جمهوری اسلامی در شماره روز ۶۹/۲/۱۲ نیز مقاله ای تحت عنوان "از نکته تا دیدگاه" چاپ کرده است. از اینگونه مقالات که بسدت به مدافعان رابطه با

کیهان هوایی شماره ۸۷۷ - صفحه ۳۳
چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۹ - ۵۰۲ - ۱۹۹۰

مقاله

«جریانهایی مرغوب» و راه حل های سازشکارانه

ازاد شدن اولین گروهان آمریکایی از سوی سازمان جهاد اسلامی برای آزادی فلسطین، سرفصل جدیدی در مباحثات سیاسی داخلی و خارجی می شود. صرف نظر از این مسئله که غرب برای اولین بار گروهانگیری دولتی را در لبنان باب کرد، اصولاً به مسئله گروهانگیری از دو زاویه کاملاً متفاوت می توان نگریست: اقدامی از روی استحصال از جانب مستعمرات تحت سلطه قدرتها و امری در خدمت اهداف دولتها. بطناً شق دوم از آنها که دولتها گوناگونی برای طرح نظرها و پیمانهای خود دارند کاملاً مفروض است. اما آیا به همین سرحاست می توان در ارتباط با ملت های به فلان آمده از فشارهای قدرتهای سلطه بر جهان تفاوت کرد؟ اقدام سازمان جهاد اسلامی برای آزادی فلسطین به دلیل احترامی که برای ایران به عنوان توجیهات مستعمرات منطقه قائل است، کاملاً قابل درک و واکنش دو جوان در برابر این حرکت قابل تأمل است. اما آیا واکنش واشنگتن چنانکه بعضی در داخل کشور انتظار آنرا ایجاد کرده بودند نشانی از کمترین حسن نیت متقابل دارد؟ دو حرکت اخیر آمریکا در تصویب قطعنامه ای در مورد بیت المقدس و اعطای مدال شجاعت به فرمانده ناو وینستون که به خاطر قتل عام ۲۹۰ انسان مستحق محاکمه و اشد مجازات است چه چیزی را به اثبات میرساند که سادماندیشان یا کسانی که خود را به تعامل می زند پیشهاد مغفرت بشوند فرصت برای گفت و گوی مستقیم را می دهند؟ در حالی که وزیر خارجه ایران متقابل گروهانهای ایرانی را در اولین واکنش خود در قبال آزادی گروهان آمریکا مطرح می سازد چگونه است نگرانی که صداهای آنرا وابسته به جناحی در وزارت خارجه معرفی می کنند مجدداً آزادی یک گروهان دیگر را درخواست می کند؟ و با زمانی که وزارت خارجه بر نوع تعاملی برای تجدید رابطه با دولت مصر را رد می کند یا این استدلال که همه ملت ها در زمینه های فرهنگی به یکدیگر نزدیک می شوند و اندامه خصومتها برای هیچکس سودی دربر نخواهد داشت احتمال برقراری رابطه سیاسی میان تهران و قاهره را مطرح می سازد. همچنین طرح ادعای سفر معاون وزیر خارجه ایران به سانگاو برای شرکت در مراسم انتقال قدرت از اوگتا به چامورا آیا به منظور انقاز ایجاد چرخشی در سیاست خارجی ایران دنبال می شود؟ کسانی که با چنین مهارتی به کار مشغولند بعد است از سیولای پرونده تبلیغات و چار و چنگال غرب وحشت کرده و اکنون برای مصون ماندن از این تهدیدات به گام سفید نلشر لغمانند. بسکه زمینها را باید در جای دیگر جستجو کرد. اگر ایران قرار بود به راه حلهایی چون مذاکره مستقیم با آمریکا به قیمت گستر آلودمان ارزشهای اعتقادی و تغییر مواضع سیاسی توسل جوید قطعاً باید در شرایط جنگی که غرب مستعمرترین تسلیحات را برای در هم شکستن مقاومت ایران در اختیار عراق قرار می داد، به این امر توجه می کرد. اما اکنون که تسولات جهانی نوسید شکسته شدن فریب لوفوع سلطه مطلق آمریکا را می دهند و آینده جهان به محور اقتصاد خواهد چرخید و کشورهای مختلف به خاطر حضور فعال در این رقابت با برقراری روابط اقتصادی از یکدیگر پیشتر خواهند گشت. هر فرضی در مواجهه با آمریکا ما را به فراموشی اصول خود سوق می دهد! جریانهایی مرغوب غرب تحلیل درستی از فرستهای ایجاد شده ندارند در مقاطع مختلف انقلاب زمینها برای بیرون رفتن ما هستند. فراموش می شوند گمان اینکه تاریخ کوتاه انقلاب بهترین سؤاید این مدعاست.

مسائل نیکاراگوئه

بوسون ۲۰ آوریل ۹۰

مقاومت نیکاراگوئه نمایندگی کنترها و دولت ساندینیست در ۱۹ آوریل بر سر اصل یک آتش بسس و جمع شدن نیروهای شورشی در ۵ منطقه امنیتی گسه سلاحهایشان را بر زمین خواهد گذاشت، به توافق رسیده اند. با وجود این باید تصریح کرد که جنبه های "تکنیکی" این توافق "حقیقی و قطعی" توصیف شده اند.

برزیدنت دانیل اورتگا از جانب خود در روز چهارشنبه اعلام کرد که "حتی اگر کنترها در کوهستانهای شمالی کشور خلع سلاح نشوند، او به روز قرار گذاشته شده پایبند خواهد بود." او گفت: "روز ۲۵ آوریل، من شال ریاست جمهوری را به ویولنتاباریوسر دوشامورو خواهم داد و او رئیس اجرائی خواهد شد، چه جنگ در کشور ما ادامه داشته باشد و چه به پایان برسد."

اتحاد رهبری شده توسط خانم "ویولنتاشامورو" رئیس دولت انتخابی، که چهارشنبه ۲۵ آوریل کنار خود را شروع خواهد کرد، تنبیه یک زن دیگر را برای اشتغال در یک پست کلیدی، ریاست مجلس جدید انتخاب نمود.

در بی چندین ساعت مناظره و مباحثه بر هیاهو ۵۱ نماینده اتحاد ملی اپوزیسیون که اکثریت جدید را تشکیل می دهند، خانم میریام آرگلو وکیل ۶۳ ساله راه آقای آلفردوسزار ترجیح دادند. آلفردوسزار عموما بعنوان یکی از نزدیکترین مشاوران خانم شامورو به حساب می آید. خانم آرگلو که ۲۸ رای در مقابل ۲۴ رای را از آن خود کرده است و حزب محافظه کار را رهبری می کند، موافق یک موضع محکم در مقابل ساندینیستها می باشد. تعیین او روز قبل از رسیدن اولین دسته سربازان سازمان ملل متحد که وظیفه خلع سلاح نمودن شورشیان کنترها و کنترل آتش بسس با ارتش ساندینیست را به عهده دارند، بود.

رهبران کشور آمریکا مرکزی پس از دوروز مذاکره و گفتگو روز ۳ آوریل ۹۰ در مورد خلع سلاح کانترها به توافق رسیدند. طبق این توافق خلع سلاح کانترها تا تاریخ ۲۵ آوریل، روزی که جاسورو برای رئیس جمهوری سوگند می خورد، در دستور کار قرار گرفت. و از آمریکا خواسته شد که پس از این کمکهای خود را از طریق نظارتگران بین المللی به آنها برساند. بنا بر گفته ساندینیست ها هم اکنون ۸۰۰ نفر از کانترها در داخل نیکاراگوئه بسر می برند. در ایمن توافقنامه خواسته شده است که کانترها چه آنهایی که در جنوب هندوراس هستند و چه آنهایی که داخل نیکاراگوئه می باشد خلع سلاح شوند. اما کانترها ستغفند که ساندینیست ها کنترل ارتش و پلیس را در اختیار دارند و تا زمانی که قدرت کاملا به چامارو سپرده شده آنها سلاح های خود را بر زمین نخواهند گذارد.

در ۲۷ مارس امسال، توافق بین ساندینیست ها و چامارو صورت گرفت که طبق آن ساندینیست ها

موافقت کردند که "ارتش متعلق به هیچ گروه سیاسی نباشد و اعضا آن قادر به حفظ رده های رهبریت خود در رتبه ساندینیست ها نباشند." در عوض دولت چامارو هم موافقت کرد که رده های فعلی موجود در ارتش را بر سمیت بشناسد. این توافقات از طرف رهبران امریکای مرکزی مورد حمایت و تشویق قرار گرفت.

همچنین در این مذاکرات قرار شد که مذاکرات صلح جداگانه ای در مورد صلح در السالوادور انجام گیرد. روز چهارشنبه ۴ آوریل مذاکرات بین دولت السالوادور و جنبه آزادی بخش فارابوندومارتی درزنو و تحت نظارت خاویر پیرز و کوشیلار شروع شود.

در همین روز جیمز بنگر وزیر امور خارجه آمریکا از کنگره و بوش، رئیس جمهور، خواست که به جنگ ۱۱ ساله السالوادور خاتمه داده شود. یک مقام بالای وزارت خارجه گفت که نیروهای مخالف دولت السالوادور باید بطور جدی به مذاکره، بپردازند و امید به قطع کمک آمریکا به السالوادور از طرف کنگره نداشته باشند. کنگره آمریکا بنازگی در مورد نقش حقوق بشر در السالوادور ابراز نگرانی کرده است زیرا دولت کریستینیاس اعلام کرده است که طبق قانون السالوادور نمی توانند کتللی را که در قتل ۶ کشتی و خدمتکار آنها و دخترش دست داشته است محکوم کند.

اخبار و رویدادها...

از صفحه ۴

قانونی ندارد و "تنگر اعلام مشکلی ندارد. حالا من می گویم اینه مرکز را رنگ بزنند." آقای رجوی در ادامه این تلگرام نوشت: "ملاوه بر این، بر حسب اطلاعات مقاومت ایران هادی نجف آبادی (سفیر استجانی در امارات متحده عربی و حامی صلح پناهمای خصوصی ویژه او) و آخوند زاده از چهار روز پیش برای هدایت طرح ترور دکتر رجوی و کمک به سپروس ناصری و ملائک (سفیر رژیم خمینی در برن) به زنو رفته و قرار بود همین امروز با پرواز ساعت ۱۵/۱۸ از طریق ایران ایر به تهران برگردند. خاطر نشان می کنم که افراد نامبرده از سپرهای شناخته شده تروریسم صادراتی رژیم شد بشری خمینی می باشند. ملائک از مسئولان تروریسم رژیم خمینی در لبنان و از عناصر فعال دانشجویان موسوم به خط امام در جریان گروگانگیری اتماع آمریکا در سال ۱۹۷۹ در تهران بوده است."

رهبر مقاومت در پایان تلگرام خود به رئیس کنفدراسیون سوشلی نوشت: "میدارم با جدیتی که دولت شما متذول خواهد نمود، مردم و مقاومت ایران احساس هیچگونه اهتال و چشم پوشی از سوی دولت ویلیس سوشلی نمایند."

تلاشهای دیپلماتیک رژیم از موضع ضعف

از صفحه ۹

کشورهای نظیر عربستان، مصر و ۱۰۰ حمله می کنند، در مطبوعات رژیم هر روز چاپ می شود و این گویسای این مطلب است که باید رفه استجانی نمی تواند بسا وجود جناح "حزب الله" کارهای مربوط به مناسبات بین المللی را پیش ببرد. مقاله کیهان هوایی در این رابطه بخصوص از این نظر که به چند مطلب اشاره می کند، جانب توجه است که بشن کامل آن را برای اطلاع خوانندگان نیمه خلق چاپ می کنیم.

درسانه های خبری جهان

از صفحه ۶

دست خود تعیین کنند و من خبشحال خواهم شد اگر خوشبختی خود را در این تلاش بدست آورند. آنجیزی که رخ داد برایم غیرمنتظره بود.

سوال - سرعت تحولات در آلمان دموکراتیک آریسا ناگهانی بود یا قابل انتظار؟

جواب - آنجیزی که رخ داد برایم غیرمنتظره بود و برداشتم در رابطه با سطح معیشت در آلمان دموکراتیک و همچنین پیشرفت اقتصادی و علمی خوب است.

سوال - ناگهانی بودنش کجاست؟

جواب - در سرعت وقوع آن، چون من همیشه با خلق است و باید ما درخواستهایش با او باشیم.

سوال - آیا به عقیده تو الان چنین فرصتی برای متحد ساختن آلمان وجود دارد یا وحدت آن زود است؟

جواب - بنظر من هرآنسان باید آزادی سفروانتقال را داشته باشد. آنان رفاه شخصی را بر همه چیز ترجیح دادند، ولی مجموعه های از مردم وجود دارند که در ارتباط با مین و خاکشان هستند. می خواهم به صلح حقیقی اشاره کنم، آنجیزی که در آلمان دموکراتیک رخ می دهد خوشبختی به مفهوم خاص خود نیست.

سوال - از موضع نزدیکی به رهبر شوروی، میخائیل گورباچف آیا ممکن است در رابطه با امور شوروی که وی در پی درمانش است برایمان بگوئی؟

جواب - من دوبار در هفته با گورباچف ملاقات می کنم و طبیعی است که مشکلات زیاد است. ولی من به عنوان یک اقتصاددان اعتقاد دارم که مهمترین مسئله نگرانی که ذهنش را اشغال می کند، ترسیم و رفع اشکالات و همچنین کارایی اقتصاد است. علاوه بر مسئله ملی، و در این دیدارها ملاحظه کردم که او اهمیت استثنایی به عامل زمانی می دهد و کاربرد وسیله خدمت گرفتن آن به شکل علمی را نیز اولویت می دهد.

سوال - آیا به اعتقاد تو رهبر شوروی در راه خود پیروز خواهد شد؟

جواب - من به این ایمان دارم چون این سیاستی که دارد پیش می برد، سیاست مشخص او نیست بلکه سیاست جواب دادن به مصالح مردم شوروی است و من به پیروزی پرستریکا خوشبینم.

انتخابات رومانی

نخستین انتخابات آزاد در رومانی در تاریخ یکشنبه ۲۰ مه جاری برگزار گردید. در این انتخابات ایلیسکو رئیس جمهور رومانی که از طرف جنبه نجات ملی کاندیدا شده بود با ۸۶ درصد آرا به پیروزی قاطع دست یافت. جنبه نجات ملی رومانی که بعد از سرنگونی چائوشسکو قدرت را در رومانی در دست داشت با بدست آوردن این پیروزی به اکثریت کرسی ها در پارلمان نیز دست پیدا کرد. ایلیسکو در اولین عکس العمل خود بعد از خواندن آرا گفت که سیستم حکومتی رومانی بر دمکراسی و پلورالسم سیاسی استوار خواهد شد و توتالیترسم را پشت رد کرد.

مقاومت پیر و زاست

از صفحه ۷

طرف بشود کشته، سود او ضرر اسلام است - و از طرفی حتی هم با این شیوه به صاحب حق نمی‌رسد - حقیقتاً ناطق نوری خوب گفته است - مردم از اینکه آخوندها اینگونه بجان هم افتاده‌اند، بسیار شاد می‌شوند زیرا در شرایطی که رژیم با انواع ترغندها و وسایط های ضد مردمی، خنده را از مردم بریده است، این جنگ و دعوی آخوندها حقیقت شادی آور است - مضحك اینست که ناطق نوری و روزنامه وابسته به جناح او هر جا که منافعی ایجاب می‌کند، حرفهای خودش را با اجبار نفی می‌کند چیزی که ناطق نوری نمی‌فهمد، اما بر اساس هم طبقاتی بدان عمل می‌کند، اینست که دعوی درون رژیم چیزی نیست که بتوان با وعظ و خطابه و فرمان به صلح تبدیل شود - وقتی خمینی نمی‌توانست جلوی فحاشی آخوندها نسبت به هم را بگیرد تا جاییکه بعضی وقتها به خود او هم بطور ضمنی حملات می‌کردند، او سیاست حذف و سرکوب را پیش می‌برد - اکنون در مقابل رژیم درمانده خمینی نیز راهی جز ادامه جنگ و دعوی تا گورستان موجود نیست - تازه ساله اصلی دعوی که بر سر "مذاکره مستقیم" و "مذاکره غیر مستقیم" نیست، ساله اساسی، موجودیت این رژیم است که بعزت سیاستهایی که ذاتی خود رژیم است هر روز بیشتر از روز قبل به زیر سوال می‌رود - و گرنه گردانندگان رژیم اگر با امریکسا "مذاکرات" راستقیما ادامه نمی‌دهند، زیربومده همه گونه مناسبات با "شیطان بزرگ" در جریان است - تازه "شیطان بزرگ" خود در خدمت "بانک جهانی" است و "بانک جهانی" در خدمت شیطان بزرگ و عدلی جنایتکار رئیس کل بانک مرکزی رژیم در ماه گذشته با سلام و صلوات فراوان دروازشگشایی یعنی سرگرد شیطان بزرگ) بطور جداگانه با مدیرعامل "مندوق بیسن - المللی پول" و "رئیس بانک جهانی" ملاقات کرد و سلما این مدیر عامل ها هم به عدلی همان حرفی را زده‌اند که حتی کرمانی در روزنامه اطلاعات روز ۱۵/۲/۶۹ بیان کرده است - "حتی کرمانی می‌گوید: "چون امام این جام را سرکشید، بچه‌ها هم با کمال سختی این جام را سرکشیدند، دنبال امام، الان هم همین است - الان هم رهبران انقلاب ما و نظام ما مواجه با یک سری مسائل می‌شود که باز باید جامهای زهری را سرکشید -"

حقیقت اینست که بر سر ساله رابطه با امریکسا، باند رفسنجانی حاضر است، بجای "جام"، "بشکه" زهر بنوشد - اما حقیقت دیگری هم وجود دارد و آن وجود هرم ولایت فقیه با دسته بندیهای درونی است - این هم که پس از مرگ خمینی، بدون سروصحر گذشته، سرنوشتی جز تلاشی و ناپابودی ندارد - این هم باید در گمروار تشادهای درونی بوسیله مقاومت انقلابی سرنگون شود - زیرا صف بندی نیروهای داخلی اش، از نظر سیاسی و نظامی بشکلی است که رفسنجانی قادر نیست این دسته بندی ها را بشکل مسالمت آمیز بنا غیر مسالمت آمیز حذف کند و در هر صورت به قول ناطق نوری "زهر طرف که گشته شود" بسود مقاومت و جنبش مردم است - البته رفسنجانی جنایتکار می‌تواند در آرزوهای خود، حاکمیتی یک پارچه که هم

درسوگ عاشقی بیقرار

از صفحه ۵

نموده، آن "روشنگران" فلاکت زده و "کتابی" که برای "ثابت" نمودن "وضع موجود" تمامی اشکها، لبخندها، امیدها، تلاش ها و عشق ها را با چند جمله نفی می‌کند، قبل از آنکه يك "روشنگر" بمعنسی "مبارز راه آزادی" باشد، "عافیت جوان" بی مایه‌ای هستند که باید سرهم با حقوق بازبستگی خسود را دریافت کنند - اما آنکه اشکها و لبخندها، سر زدن زندگی را بیان می‌کند، آنکه نه در ادعاهای میان تپسی، بلکه در زندگی واقعی گام بر می‌دارد تا آنرا بنحیو مطلوب "انسان" تغییر دهد، و سرانجام آن عاشقی بی قراری که خود را در بند "عافیت جویی" زندان نکرده است، اعمال و رفتار اش با "منطق"، "عقل" و "تئوری" بر اساس معیارهای "رایج" روز منطبق نیست - اگر دکتر کاظم رجوی آرامش و قرار نداشت و اگر آنجا که شور و غلبان درونی اش نمود پیدا می‌کرد، برای بسیاری غیر "منطقی" می‌نمود، این از سرشت انسانی او ناشی می‌شد - همسرش خانم مشعل بسیار زیبا گفت که "سرنوشت برای او" و "غیر قابل توجیه‌ترین راهها" را انتخاب کرده بود -

سردترین، بی روح ترین و خشک ترین آدمها هم که قادر نبودند جوهر واقعی او را بشناسند، تحت تاثیر صداقت او قرار می‌گرفتند - اما صداقت او نیز از بسک "فرومول" معینی در "کتاب" معینی ثبت شده باشد و هر کس بتواند با "صفت" بدان، از آن برخوردار شود

تبعیت نمی‌کرد - نمی‌خواهم از او یک انسان بدون عیب و ایراد بسازم - هرگز! او یک انسان بود - انسانی که بین دو بینهایت "توانایی" و "اناتوانی" به شرایط مشخص زمان و مکان خود محدود و مشروط می‌شود - قدرت او در زنده نگه داشتن عشقش بود - اگر او خود بسک انسان مطلق و بدون خطا اعتقاد می‌داشت، هرگز نمی‌توانست این راه را "به کپکشان" به بیکران، به جاودان" طی کند - اگر نتوانست بخاطر این بود که از "توانایی" خود برای "تغییر" این محدوده‌ها و این شرایطی که انسان تلاش گر برای رهایی را دربر گرفته، استفاده کرد چون از صداقت يك انسان خرافاتمند برخوردار بود، نمی‌خواست ان بخش از تواناییهای جاذبه آفرینش را برای "نمناحب" چیزی، برای خسود بکار گیرد و آنرا در مقابل آن رزمندگانی که پیشاهنگ مبارزه برای رهایی هستند، بکارگیرد - بدین جهت هر جا که بنظر خودش به "خطا" رفته بود، با صمیمیت بدان اعتراف و می‌گوشید تا آنرا تصحیح کند و این خود ربابا هم در تعمیق عشقش نشان می‌داد - رژیم آخوندی و مدافع جهل و نیستی، نتوانست او را از سنا بگیرد - اما هرگز قادر نیست جوهر هستی، فلسف و هستی و شور هستی را از جنبش مقاومت بگیرد و نتا وقتی شراره‌های خشم مردم، خود را در وجود جانبا زالی همچون دکتر کاظم رجوی که عشق آنان "مبارزنده رهایی است و نه تصاحب" شعله می‌کشد، این رژیم خمینی است که شکست می‌خورد و این مقاومت سرفراز مردم است که پیروز می‌شود -

از پیمپشت ۶۹

۱۳۶۰/۳/۲۰ - عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا و رژیم جمهوری اسلامی توسط خمینی

۱۳۶۰/۳/۳۰ - تظاهرات ۵۰۰ هزار نفری مردم تهران و حمله اوباشان و سرکوبگران رژیم خمینی به این تظاهرات اعتراضی و شهادت دهها مبارز و میلیشیای مجاهد در تهران و شهرستانها و روز آغاز مبارزه سلححانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

۱۳۶۰/۳/۲۱ - اعدام دسته جمعی تعدادی از زندانیان سیاسی ایران به دستور خمینی - در این روز منجمله رفیق فدایی سعید سلطانپور و مبارز قهرمان محسن فاضل از سازمان پیگار اعدام شدند -

۱۳۶۲/۳/۱۲ - اعدام وحشیانه و دسته جمعی ۵۹ نفر از مردم قهرمان شهید توسط مزدوران رژیم خمینی

۱۳۶۲/۳/۱۳ - انجام شبه کودتای باند اکبر کامیابی - حسین زهری علیه خط اصولی در سازمان اقلیت

روزهای تاریخی

۱ زوش برابر با ۱۱ خرداد، روز جهانی کودک

خارجی از ۲۲ تا ۲۱ زوش

۲ زوش ۱۳۴۷ - تشکیل نخستین تشکلات کمونیستی بنام اتحادیه کمونیست ها بوسیله مارکس وانگس

۲۸ به ۱۸۷۱ - شکست کمون پاریس، اولین دولت کارگری در جهان و اعدام انقلابیون کمون بوسیله نیروهای ارتجاعی فرانسه

۱۴ زوش ۱۹۲۸ - تولد رفیق ارتستوچه گوارا

۱۸ زوش ۱۹۵۴ - کودتا علیه دولت ملی آرمیندر گواتمالا توسط امپریالیسم امریکا

۲۵مه ۱۹۶۲ - تاسیس سازمان وحدت افریقا

اخبار و رویدادها....

انتفاضة پیش میرود

از ۱۹ امه امسال باکشته شدن سه جوان فلسطینی و زخمی شدن چند فلسطینی دیگر توسط پلک جیوان اسرائیلی، بار دیگر "انتفاضة" اوجی تازه یافت. بعد از اینکه اسحاق شامیر کلبه پیشنهادات مذاکره را رد کرد، با این پیش آمد، فلسطینیان مناطق اشغالی در نوار غزه و مناطق اشغالی دیگر به دستور یاسر عرفات به خیابانها ریختند و تظاهرات خود را از سر گرفتند. به گزارش خبرگزاری ها در کشور اردن هاشمی تظاهرات اعتراضی فلسطینیان بر علیه اسرائیل گسترش یافت. سربازان اسرائیلی با شدت وارد عمل شدند و به سرکوب تظاهرات پرداختند که در اثر این اعمال تعدادی از جوانان فلسطینی دستگیر و تعداد دیگر زخمی گردیدند. جنبش سرزمینهای اشغالی با شرکت تمامی جناحهای فلسطینی شدت ادامه دارد و عرصه را بر حاکمان اسرائیل تنگ کرده است.

کنفرانس چهار به اضافه دو

رادیو آمریکا در برنامه روز ۶۹/۲/۱۶ خود اعلام نمود که: "وزیران خارجه آلمان شرقی و غربی و چهار کشور بیروز جنگ جهانی دوم نخستین جلسه رسمی خود را برای بررسی مسئله تجدید وحدت آلمان تشکیل دادند. نائز و وزیر خارجه شوروی این جلسه را بیک روز تاریخ برای اروپا و برای تمام جهان نامید و اعلام داشت: جنگ سرد به پایان رسیده است، مارکس میکسل و وزیر خارجه تازه آلمان شرقی از جلسه بعنوان روزی بزرگ برای آلمان و روزی بزرگ برای اروپا نام برد. میکروویزیر امور خارجه آمریکا گفت: مذاکرات دو آلمان و چهار کشور فاتح جنگ جهانی دوم صرفا باید در زمینه مسائلی اتخاذ تصمیم کنند که به حقوق مسئولینهای چهار قدرت مربوط باشد. مسائل خارجی دیگر مانند عضویت در اتحادیههای نظامی و استقرار این نیروها باید در محافل دیگری از قبیل کنوانسیون وین برای کاهش نیروهای غیراتمی در اروپا و کنفرانس هلستینکی درباره امنیت و همکاری اروپا مورد بررسی قرار گیرد. گنر و وزیر امور خارجه آلمان غربی دریابان کنفرانس ۷ ساعته دبروز اعلام داشت که وزیران خارجه ۶ کشور موافقت کرده اند که جریان وحدت آلمان بی هیچ وقفه ای باید ادامه یابد و وزرای خارجه و وزرای خارجه موافقت کردند حداقل سه جلسه دیگر یکی در برلین شرقی در ماه ژوئن، دیگری در ماه ژوئیه باریس و بعدا رسوم خود را در ماه سپتامبر در مسکو تشکیل دهند. نائز به پیشنهاد کشورهای غربی را برای عضویت آلمان واحد در اتحادیه ناتو رد کرد. آنها موافقت کردند از گریستوف سیکو پیشکی وزیر خارجه لهستان دعوت به عمل آورند. در جلسه باریس که در آن مسئله ضمانت های مرزهای غربی لهستان مورد بحث قرار خواهد گرفت، شرکت کند لهستان

در صفحه ۲

برخی از رویدادهای تاریخی

خرداد ماه

۱۲/۳/۱۲۹۹ - سالروز اعلام جمهوری گیلان توسط میرزا کوچک خان
 ۱۰/۳/۱۳۱۰ - تصویب قانون شد کمونیستی معروف به قانون سپاه توسط رژیم رضا شاه
 ۲۹/۳/۱۳۲۹ - خلع پد از شرکت نفت انگلیس توسط دولت ملی دکتر محمد مصدق
 ۲۲/۳/۱۳۳۸ - اعتصاب ۴۰۰۰۰ نفری کارگران کوره یزد - خانه های تهران و شهادت ۵۰ کارگر کوره پرخانه در یورش مزدوران رژیم محمد رضا شاه به اعتصاب کنندگان
 ۱۵/۳/۱۳۴۲ - قیام خونین مردم تهران علیه دیکتاتوری شاه
 ۲۰/۳/۱۳۴۹ - شهادت آیت الله سعیدی در شکنجه گاهای رژیم شاه
 ۴/۳/۱۳۵۱ - اعدام بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران، شهیدای قهرمان محمد حنیف نژاد - سعید محسن علی اصغر بدیع زادگان - رسول مشکین فام و محمود عسگری زاده توسط مزدوران رژیم شاه
 ۲۵/۳/۱۳۵۲ - شهادت مجاهد قهرمان رضا رضایی در درگیری با مزدوران ساواک شاه
 ۱۵/۳/۱۳۵۷ - درگذشت کازک عزیز یوسفی از مبارزان بی باک دوران پهلوی
 ۹/۳/۱۳۵۸ - سرکوب خلقی مردم در خوزستان ایران توسط رژیم خمینی به فرماندهی امیر شاهنشاهی سید احمد مدنی (جهادشینه سپاه)
 ۱۵/۳/۱۳۵۹ - اعلام تعطیل رسمی دانشگاه های ایران کشور و هجوم مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به خوابگاههای دانشجویان دانشگاهها در ادامه اقدامات ارتجاعی موسوم به انقلاب فرهنگی
 ۲۲/۳/۱۳۵۹ - برگزاری میتینگ بزرگ توسط مجاهدین

در صفحه ۱۱

**NABARD E KHALGH
NO: 71**

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس های زیر مکاتبه کنید.

HOVE, YAT
P.O. BOX 2891
RESTON, VA 22090
U.S.A

آمریکا

HOVI AT
POST RESTANTE
MINERS GADE 11B
2200 DANMARK

دانمارک

P.L.K
Nr. 039999 D
5000 KÖLN 1
W. GERMANY

آلمان غربی



در برابر تکراری استبداد
خاله را روشن می کنند
وهی میزند

**شهیدای فدایی
خرداد ماه**

رفقا: حسن نیک داوودی - امیر پرویز بویان - اسکندر صادقی نژاد - رحمت الله پیرو نیری - بهروز دهقانی - حسن معصومی همدانی - علیرضا شهاب رضوی - بریم شاهی - خسرو ترکل - حسین سلاخی - مینا طالب زاده - شوشتری - علیرضا رحیمی علی آبادی - حسین موسوی دوست موجالی - رفعت معماران بنام - سلیمان پیوسته حاجی محله - نعمت باشعور - سعید سلطان پور - مازنا کاظمی - منصور فرسا - مهدی پهلوان - شهرام میرانی (درهاند) - محمد رضا حمیدیان بابا علی آنگاک رشید) - حمید میرشکاری - ولی سوسنی - منوچهر اویسی - جعفر قنبر نژاد - بهنوش آفرینان - طوسی سالهای ۴۹ کتون در خرداد ماه در درگیری با مزدوران امپریالیسم و ارتجاع شهادت رسیده و یاد زندانیهای دژخیمان ستمگشا و خمینی اعدام شده اند.

**در تکمیل روتوزیع
آثار سازمان
بکوشید**

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس زیر مکاتبه کنید

F. ASSELIN
B.P. 311
75229 PARIS
CEDEX 05
FRANCE

لطفا بسته های
بزرگ و نامسه
یغارشیه به
آدرس فرانسه
ارسال ننمائید.

با کمک های مالی خود سازمان را در

انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میبایست مبارز سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است. کمک های مالی خود را بهر میزان که باشد، با مستقیما بدست ما برسانید و ما به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه نشریه واریز کرده و قبضه رسید و یا فتوکپی آنرا به آدرس مندرج یعنی سازمان در فرانسه ارسال دارید.

حساب بانکی

SOCIÉTÉ GÉNÉRALE نام بانک
BOULOGNE - 5 - SEINE آدرس بانک
03760 که گیشه

00050097851 شماره حساب

MME; R - T - TALAT نام صاحب حساب